

راه سرخ

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید!

قیمت ۱۵ ریال

شماره ۸ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان چهارشنبه ۶ فروردین ۵۹

سر مقاله

اعمال نفوذ، قلب و سوءاستفاده از ناآگاهی توده‌ها

پلکان صعود حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین به مجلس شورایی ملی

در اول انتخابات مجلس شورای ملی پایان رسید. این انتخابات در شرایطی صورت گرفت که توده‌های زحمتکرم میهن پشت در فرقه‌نگدستی میکاری بین خانمانی و دست و پیا می زنند. هر روز که می گذرد مردم زحمتکرم ما بیتر از پیش در می یابند که حاکمیت نه می خواهد و نه می تواند به خواست های اساسی شان پاسخ دهد به اعتبار عملکرد عوامل فوق اعتماد مردم بتدریج از حاکمیت کم و کمترو می شود. در این شرایط خرد بورژوازی حاکم تلاش دارد تا با وعده و وعید های دهن پرکن با شمارهای تهییجی توخالی و با انکتت گذاشتن برعلاق میذهین مردم آنان را همچنان به حمایت از خود ترغیب نماید.

بقیه در صفحه ۶

ارومیه

کارگران کاناداداری: کارگریپرواز است، سرمایه دار نابود است

«ما کمانی را که در حرف با امپریالیزم مبارزه می کنند اما در عمل سرمایه داران وابسته را تقویت و کارگران را سرکوب می کنند، رسوا خواهیم ساخت» ما با کارگران اخصایی ۴۴ کارخانه استان مپلان احساس همدردی و اعلام همبستگی می کنیم»

بقیه در صفحه ۶

تحد قدرتمند کارگران صنعتی تبریز

مشترک محکمی بر دهان امپریالیزم، سرمایه داران و دست نشاندهان آنها با درود بی پایان به کارگران ماشین سازی ملیت تراک سازی، تراکتور سازی، بیمه ایران، هاکمیران دیزل، موتورون و کمیدرو و کسپریت سازی توکلین اتحاد قدرتمند شما کارگران دلیر و آگاه سرسختی انقلابیتان در دفاع از خواسته های برحق طبقاتی شان حمایت و پشتیبانی

آگاهانه از شوراهای انقلابی
شان درس بزرگ است.
بقیه در صفحه ۸

مبارزات متحد کارگران ۷ کارخانه صنعتی تبریز
و کارگران کسپریت سازی توکلین
ضمیمه راه سرخ شماره ۸

کزارشات و مدارک ارسالی از تقلبات و سوءاستفاده های
گسترده در انتخابات آذربایجان
در صفحه ۱۰

بیکاران تبریز:

«ملت قضاوت ایله دولتین بایر املیننی بیکارلارا گله دیو»

از چند روز مانده به عید تعداد زیادی از کارگران و دیپلمه های بیکار از طرف استانداری ما مور نظافت خیابانها و پاکسازی شهر شدند. پذیرفتن اینکار از جانب بیکاران مشت محکمی بر دهان پیاوه گویانسی بود که می گفتند: «اینها به این علت بیکار شدند که حاضر به انجام هر کار نیستند» بقیه در صفحه ۶

درباره شماره ۸

۱. مبارزات روستائیان گدای (ارتوابع ماکو)
۲. گروهی از کارگران چرمساری امتیاز:
۳. کارخانه باید به نفع کارگران صادره شود.
۴. اعتراض کارگران به اخراج خود از شرکت سووند.
۵. کارگران قند خوی صاحب کارخانه را اخراج کردند.
۶. مزارعی از مبارزات کارگران کارخانه قند میاندوآب

اعمال نفوذ و قلب های پنهان و آشکار انتخابات را افشا کنیم

سوم مقالمه

بنی صدر بر در حالیکه تمام تلاش خود را بر این گذاشته است که بهاد های آسینا دیده سرمایه داری را احیا کرده بهشوراهای انقلاب بن کارگران بد هفتانان و پرسنل انقلاب نیروهای مسلح را سرکوب کرده و مردم را خلع سلاح نموده پارتیز و شهریان و دیگر نهاد های سرکوبگر را تقویت کند، هوافریانه در باغ سبز به مردم نشان میدهد او به مردم هده "امنیت" میدهد هده "رفاه" میدهد پول بشرط چی؟ به شرط آنکه مردم از حقوق خود صرف نظر کنند و بدون تکیه بر خواست های طبقاتی شان چشم و گوش بسته به "کار و تلاش خستگی ناپذیر" بپردازند. در چنین شرایطی انتخابات مجلس شورای ملی برگزار می شود. در این انتخابات نیروهای کمونیستی و همچنین دیگر نیروهای مترقی ضد امپریالیست نیز شرکت داشتند.

کمونیستها با هدف آگاه کردن و متشکل کردن مردم شرکت کردند، آنان شرکت کردند تا پارلمان را به سنگر مبارزه علیه امپریالیسم و بورژوازی و سازشکاری خرده بورژوازی بدل نمایند. کمونیستها در انتخابات شرکت کردند تا از منافع کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان دفاع نمایند.

کمونیستها با هدف آگاه کردن و متشکل کردن مردم شرکت نکردند. آنان شرکت کردند تا پارلمان را به سنگر مبارزه علیه امپریالیسم، بورژوازی و سازشکاری خرده بورژوازی بدل نمایند. کمونیستها در انتخابات شرکت کردند تا از منافع کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان دفاع نمایند. شرکت کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی ضد امپریالیست بیانگر گسترش حمایت کارگران و زحمتکشان از این نیروهاست. این امر نشان میدهد که باغیتار گسترش پایگاه توده ای نیروهای کمونیستی و مترقی ضد امپریالیست، کلیه تلاشهای ضد انقلابی امپریالیسم و سرسیردگان داخلی در منفر کردن کمونیستها و نیروهای مترقی ضد امپریالیست با شکست مواجه گردیده است. شرکت داشتن کمونیست ها در انتخابات بمعنی ورشکستگی تامامی تلاشهای سازشکارانه، ارتجاعی و سرکوبگرانه خرده بورژوازی حاکم است. این شرکت بیانگر تحمیل اراده مردم بر نیروهاست است که از گسترش نفوذ کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی و رادیکال در هراس اند.

مردم در این انتخابات شرکت کردند ولی نه بطور فعال، مردم در انتخابات شرکت کردند ولی نه آنگونه که در مقطع رفاندوم جمهوری اسلامی شرکت کرده بودند. گزارشات تحقیقاتی رسیده در سطح آذربایجان نشان میدهد که تعداد شرکت کنندگان در رای گیری انتخابات مجلس شورای ملی کمتر از دوره های پیش بوده است. بنرتیب میزان شرکت کنندگان در رفاندوم جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان، قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری تا آخرین رای گیری (انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی) مسیر نزولی داشته است. ولی علیرغم نتایج فوق که بیانگر گسترش و رشد بی اعتمادی مردم به شیوه های پارلمانی مبارزه و به حاکمیت است، هنوز بخش عظیمی

از زحمتکشان میهن ما اعتماد خود را به این شکل از مبارزه، شکست مسامحت آمیز از دست نداده اند. این انتخابات نشان داد که علیرغم کاهش اعتماد مردم به اشکان پارلمانی مبارزه هنوز بخش عظیمی از مردم به حاکمیت ارگان های خود جوش توده ای به حاکمیت شوراهای توده ای که قادر است اراده طبقاتی کارگران، دهقانان و سربازان را بنحوی مستقیم و مستقل اعمال نماید، آشنایی و اعتماد ندارند.

در جریان انتخابات مجلس شورای ملی هر یک از طبقات و اقشار حاکم یا بکار گیری ارگانهای که تحت نفوذ داشتند کوشیدند که کرسیهای مجلس را تحت سیطره قدرت خویش در آورده و از آن بعنوان وسیله ای در جهت به کرسی نشاندن اهداف طبقاتی خویش سود جویند.

انتخابات مجلس شورای ملی یکبار دیگر نشان داد که در غیاب یک حزب قدرتمند طبقه کارگر در شرایط عدم وجود پیوند گسترده و عمیق کمونیست ها با طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، در شرایط عدم وجود سازمان های مستقل کارگری، در شرایط ضعف جنبش کارگری از جهت تشکل و مضمون فعالیت طبقاتی و خلاصه در شرایط عدم برقراری رهبری طبقه کارگر بر جنبش دهقانان بطور خاص و بر جنبش خلق بطور کلی، جناحی از خرده بورژوازی با تکیه بر ارگان های قدرت میتواند اهداف طبقاتی خویش را بر بستر بسوادی، جهل و ناآگاهی توده ها استوار نماید.

در جریان انتخابات مجلس شورای ملی هر یک از طبقات و اقشار حاکم یا بکار گیری ارگانهایی که تحت نفوذ داشتند کوشیدند که کرسیهای مجلس را تحت سیطره قدرت خویش در آورده و از آن بعنوان وسیله ای در جهت به کرسی نشاندن اهداف طبقاتی خویش سود جویند. تصادفی نیست که در مقطع حاکمیت بلا منازع سرمایه داری وابسته، در مقطع حاکمیت سرمایه داری انحصاری، تمامی نمایندگان مجلس شورای ملی را، نمایندگان و مدافعین سرمایه داری وابسته و بطور غالب مدافعین سرمایه داری انحصاری تشکیل میدهند. تصادفی نیست اگر می بینیم که در مقطع انتخابات مجلس خبرگان عمدتاً نمایندگان خرده بورژوازی سنتی و اپسگرا و سازشکار کرسی های نمایندگی مجلس خبرگان را اشغال میکنند.

از ۴۸ ساعت قبل از انتخابات آیت الله خمینی با ارسال پیامهای سعی در جهت دادن مردم علیه نیروهای کمونیستی و دیگر نیروهای رادیکال ضد امپریالیست نمود. این پیام که مرتباً از رادیو و تلویزیون پخش میشد، چراغ سبزی بود به نیروهای هوادار آیت الله در سرتاسر کشور تا با دست بازتری علیه کمونیستها و دیگر نیروهای مترقی عمل نمایند.

در جریان انتخابات مجلس شورای ملی، خرده بورژوازی حاکم با توسل از پیوند و اعتماد روز افزون توده ها به نیروهای انقلابی و مترقی به اشکال مختلف سعی کرد تا با وضع قوانین و مقررات مانع

رگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش

مقاله

بقیه از صفحه ۲

هرود آنان به مجلس گردید. گذشته از طرح کدائی دو مرحله‌ای که نقض آشکار حقوق مردم است. در روزهای قبل از انتخابات ماهوران کمیته‌ها، پاسداران، دادگاه انقلاب اسلامی و باند‌های سیاه وابسته به آنان، شروع به ایراد ضرب و شتم هواداران سازمان ما و دیگر نیروهای انقلابی نمودند.

شهرهایی که احتمال انتخاب شدن کاندیداهای مترقی در آنجا بود توسط وزارت کشور از دور انتخابات کنار گذاشته شدند. کاندیداهای سازمان در چند شهر حذف گردیدند، خلق ترکمن و چند شهر در کردستان در نتیجه جنگ افروزی‌های هیئت‌هاکمه بدلیل واهی "ناامنی" از شرکت در انتخابات منع گردیدند.

از ۱۸ ساعت قبل از انتخابات آیت‌الله خمینی با ارسال پیام‌هایی سعی در جهت دادن مردم علیه نیروهای کمونیستی و دیگر نیروهای رادیکال ضد امپریالیست نمود. این پیام که مرتباً از رادیو و تلویزیون پخش می‌شد چراغ سبزی بود به نیروهای هوادار آیت‌الله در سرتاسر کشور، تا بدست بازتری علیه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی، عمل نمایند. بدنیال ارسال این پیام نیروهای سازشکار هوادار آیت‌الله در سرتاسر ایران‌ها دست‌باز تری شروع به وارد آوردن انواع‌خسارها بر نیروهای انقلابی مخصوصاً کمونیست‌ها نمودند.

پیام آیت‌الله خمینی بدفعات از رادیو و تلویزیون پخش شد. تفسیر‌های جهت‌دار از این پیام علیه نیروهای انقلابی و مترقی در مجله و مهابر، نماز جمعه‌ها و... سرعت‌فرایند‌های گرفت. باند‌های سیاه با دست‌بازتری شروع به پاره کردن پوسترها - تراکت‌ها و بیلاکارهای نیروهای انقلابی نمودند.

در آذربایجان نیز روحانیون و دیگر نیروهای هوادار آیت‌الله برای مقابله با نیروهای انقلابی و مترقی فعالیت‌فوق‌عادی را شتاب‌انگیز - التزایی دادند. دیدارهای پنهانی شدت گرفت. در تبریز کاندیداهائی که اکنون در حاکمیت پست و مقامی دارند مانند حسین موسوی رئیس دادگاه انقلاب و سبحان الهی ^{معاون استاندار} - ^{مانند} و آنهایی که تا چند روز قبل از انتخابات مقامی داشته‌اند ابولفضل

موسوی نماینده مجلس خبرگان و... ساری خانی فرماندار سابق به‌مراه چند تن دیگر در منزل آیت‌الله مدنی نماینده آیت‌الله خمینی و امام جمعه شهر تبریز به ائتلاف نشستند. تراکت‌های کاندیداها و موقوفه تهیه شد. بسرعت به مساجد و مهابر، تکایا و روستاها ارسال گردید. ارکان‌های خرده‌پوزواری نظیر سپاه پاسداران، کمیته‌ها، دادگاه انقلاب برای ارسال لیست تن از اعضای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین بسرعت بکار افتادند. در سرتاسر آذربایجان روحانیون شروع به دادن فتواهائی بطرفداری از کاندیداهای حاکمیت نمودند و در این راه به شیوه همیشگی شان در رسیدن تحمیری مردم برآمدند.

نکته قابل توجه آنست که کاندیداهائی که خود در حاکمیت پست و مقام ویا نفوذی داشتند تمامی امکانات خویش را در جهت تثبیت موقعیت خود بر علیه نیروهای انقلابی بکار گرفتند. موسوی رئیس دادگاه انقلاب تبریز خود مستقیماً باند‌های سیاه

فلا نمیستوا هدایت میکرد تا پوسترها را پاره کنند، دانش‌آموزان خرده‌سال را اجبر میکرد تا بر علیه سازمان‌های انقلابی شعار بدهند و مانع تبلیغات آنان گردند. حمله به میتینگ سازمان ما در روز شگاه تختی نمونه ای از اعمال همین باند‌های سیاه است. در روزهای قبل از انتخابات بارها و بارها هواداران انقلابی سازمان ما مورد حمله، اهانت و هجوم این باند‌های سیاه قرار گرفتند و در این رابطه هرگونه درگیری، بدوی و غیر بدوی و شرط ضجر بدستگیری، شکنجه و بازداشت هواداران سازمان ما و دیگر سازمان‌های متقی و انقلابی میگردد.

یکبار دیگر خرده‌پوزواری حاکم تمام تلاش خود را بر این گذاشت تا به مردم به قبولاند که ملاک انقلابی بودن دین دار بودن است نه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان. بدینوسیله یکبار دیگر خرده‌پوزواری حاکم عدم آگاهی و تشکل کارگران و زحمتکشان را یلکان صعود خویش قرار داد تا کرسیهای مجلس را فتح نماید.

در میان توده‌های محروم و فقیرنه بین - پرها و روستا تبلیغ شده بود که "شرکتداری گیری مجلس شورای ملی یک فریضه دینی است و شواب دارد و ثوابش وقتی بیشتر است که به کاندیداهای مذهبی یا روحانیون رای دهند."

یکبار دیگر خرده‌پوزواری حاکم تمام تلاش خود را بر این گذاشت تا مردم بقبولانند که ملاک انقلابی بودن دین دار بودن است نه دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان. بدینوسیله یکبار دیگر خرده‌پوزواری حاکم عدم آگاهی و تشکل کارگران و زحمتکشان را یلکان صعود خویش قرار داد تا کرسیهای مجلس را فتح نماید.

گذشته از اعمال نفوذ‌های خرده‌پوزواری حاکم از راه‌های قانونسی در امر انتخابات آنان اشکال مختلف اعمال فشارهای پنهانسی، زد و بندها و انواع توطئه‌های گوناگون را نیز تدارک دیدند تا تمامی امور انتخاباتی را بطور انحصاری در دست خود داشته باشند.

کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین در تبریز برای تکمیل اعمال نفوذ‌هایشان در صدد برآمدند تا نظارت بر صندوق‌های رای‌گیری را در انحصار خود در آورند. در این راه آنان مشتقی از اینشان و ولگردان را به‌مراه ماهوران کمیته‌ها تحت‌وهبری موسوی رئیس دادگاه انقلاب سازمان داده به فرمانداری ریختند و آشکارا در حضور ماهوران فرمانداری نماینده اعزامی از وزارت کشور (هودوی) و دیگر مقامات دولتی کارتهای نظارت را بسرعت بردند.

حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین او از اینکه کارتهای نظارت در اختیار نیروهای انقلابی و مترقی قرارگیرد به وحشت افتاده بود، زیرا نظارت نمایندگان اعزامی از جانب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی را مانعی در راه تقلبات و اعمال نفوذ‌های آشکار خود میدید. آنها تلاش کردند تا مانع نظارت سازمان‌های انقلابی گردند و طرح زدیدن کارتها از جمله اقدامات حزب جمهوری اسلامی و مؤلفینش در این رابطه بوده است.

بقیه در صفحه ۴

استقلال - کار - مسکن - آزادی

با آنکه از چندین روز پیشتر کس و مشخصات ناظرین سازمان در اختصار فرمانداری گذاشته شده بود تا آخرین ساعت شب قبل از رای گیری ناظرین انزلی از جانب سازمان ما، کارت نظارت دریافت نکرده بودند و صبح روز رای گیری حوزه فعالیت ناظرین سازمان به آنان ابلاغ شد.

از طرف دیگر میهم بودن آدرس محل نظارت در مواردی موجب سرگردانی رفاقتا گردید.

روز رای گیری ناظرین انزلی از جانب سازمان ما در تبریز با عشق و ایمان به پیروزی طبیعت کارگر برای جلوگیری از هر گونه اعمال نفوذ سرمایه داران و سازشکاران خرده به بزوا که تحقیق نمودها راپلکان ترقی خود قرار داده اند با عزم راسخ بطرف صندوق ها بحرکت در آمدند. علی رغم میهم بودن آدرس محل نظارت برقای ما سریمها در جهت یافتن محل نظارت خویش اقدام کردند.

جز در مواردی استثنائی تمامی گزارشات ارسالی ناظرین نشان دهنده این واقعیت است که همه جا در اطراف صندوق ها و حوزه های رای گیری لیست کنندیدهای حزب جمهوری اسلامی و متلفین (همان لیست منفرد) نصب شده ویا توسط پولداران و آخوند های محل در مساجد و تکایا و بین مردم رای دهنده توزیع و تبلیغ میشد.

تقریباً در اطراف تمامی صندوق ها پولداران محل تحت عنوان معتمدین محل بکارگماشته شده بودند. فرزندان این پولدارها، آقاها، پسران اربابزاده ها، نوجوانی ها، میاشین همه جا در اطراف صندوق ها پراکنده بودند تا وظیفه شریعی شان را که همانا پر کردن فرمهای انتخاباتی از نام شش نفر از اعضای حزب جمهوری اسلامی و متلفین بود بانجام رسانند. در حوزه هایی که ناظرین سازمان ما حضور داشتند یا قاطعیت این اعمال نفوذ اعتراض نمیدادند.

پولداران و روحانیون که بهمانین گوناگون بر سر صندوق ها حضور داشتند، گاهی باتهدید و ترهمن و گاهی با چریکهای و تطبیح سعی نمودند که مانع نظارت قاطع و انقلابی رفاقی انزلی از جانب سازمان ما گردند. در حوزه کوی پلی عصر معتمدین محل ناظر بر صندوق تحت عنوان اینکه " با آمدن حاج آقا خیال ما از جهت جای غذا و... راحت است" سعی در جا کردن پولدارهای محل در کنار صندوق ها و توجیه اعمال نفوذ های آنان میکنند که با مخالفت قاطع رفیق ناظر ما روبرو میشود. در جای دیگر در شاه آباد سفلی معتمدین محل و یاسد اران مستقر که هویشاری در قوت و جمارت انقلابی رفیق ناظر ما را مزاحم اعمال شرم آورشان می بینند و قبحانه دسته بازداشت رفیق ما میزنند. آنان سعی شروع به جار و جنجال غیرقانونی بودن و تقلبی بودن کارت نظارت رفیق انزلی ما میکنند.

ولی نه تهدید و نه تطبیح و نه ترهمن های شرم آور آنان هیچکدام نتوانست از اراده پولدارین ناظرین آگاه ما راست کند و آنها را آنسی از انجام وظیفه انقلابی شان بازدارد.

گزارشات ناظرین انقلابی ما بخوبی بیانگر این حقیقت است که در اکثر موارد که رفاقت حوزه های مربوطه وارد شدند با تبلیغات مسموم سازشکاران و مرتجعین روبرو گردیدند. ولی برخیرف صادقانه و انقلابی رفاقت بازحمتکشان ما دهنده قاطعیت آنان و دفاع مستحکم شان از آرمان طبقه کارگر استننا موجب جلب حمایت توده های رای دهنده

و افشا سرمایه داران و سازشکاران و مرتجعین گردیدند. توده های محروم و مستکین میهن ما با چشم خود از نزدیک میدیدند که هواداران صادق سازمان ما، ناظرین کمونیست چگونه با قاطعیت در مقابل زورگویی ها، تطبیح ها، چاپلوسی ها، تقلب های پنهان و آشکار اعمال نفوذ ها... آگاهانه و استوار پایداری میکنند. رفاقتی ما همه جا تحمین کارگران و سایر زحمتکشان رای دهنده را بطرف خود جلب نمودند.

۱- البته یادآوری کنیم که سازمان مجاهدین خلق ایران در تبریز نیز با ارائه شش کاندید از جانب خود عملاً هر گونه همکاری و همراهی با انقلابیون کمونیست را کنار گذاشت. سازمان مجاهدین خلق ایران با آنکه میدانست که تقریباً نیمی از آرای بی به نفعشان ریخته میشود از جانب هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران استرجیح داد که از رای کمونیستها بهره گیری نکنند و فقط در حرف از وحدت و همکاری نیروهای ضد امپریالیست دم بزنند. و بدین وسیله حمایت عملی خویش را از کاندیداهای سازمان ما در تبریز سلب نمود. این عمل امکان دارد که احتمال صعود کاندیداهای سازمان کاهش یافته جای آنها سازشکاران و مرتجعین پر نمایند.

مبارزات روستائیان که ای از توابع ماکو بقیه از صفحه ۵ اقدام کنند، نصیاه پایداران و نه مراجع و نه هیچکس دیگری قادر نیست زمینهارا صادره و در طولانی مدت در اختیار روستائیان قرار دهد. تنها و تنها این دهقانان کمزمین و خوش نشینان روستای شوط هستند که قادرند خود مستقیماً در اتحاد با یکدیگر در جهت صادره زمینهای ارباب غاصب اقدام نمایند. بزرگترین تضمین اینکه زمینهای روستای شوط صادره شود همانا وحدت عمل شما زحمتکشان روستای شوط است. و تنها و تنها شما قادرید در اتحاد با یکدیگر زندگی پر از درد، فقر ورنج و بیماری تان را تغییر داده یک زندگی نوین و خالی از زورگویی های ارباب دست بیابید.

نشریه کارگران پیشرو تبریز را بخوانید

زنده باد اتحاد شوراهای انقلابی

گزارشی از مجمع عمومی اخیر ماشین سازی و عکس العمل مشترک شوراهای ۷ کارخانه صنعتی در مورد توطئه های استنادار

کارگران پیشرو تبریز ۵۸/۱۲/۲۶

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران

مبارزات روستائیان گدای

(از توابع ماکو)

روستای گدای از توابع شهرستان ماکو است. این روستا در شمال غربی بخش شوط و جنوب جاده ترانزیت ماکو - تبریز قرار دارد. فاصله آن تا بخش شوط ۶-۷ کیلومتر می باشد.

یکصد و بیست خانوار ترک زبان در این روستا ساکن هستند. روستا فاقد آب آشامیدنی، حمام، برق و درمانگاه می باشد. آب آشامیدنی اهالی از رودخانه زنگبار تأمین می شود. علیرغم ریخته شدن آشغالها و ککانات شهر ماکو در این رودخانه و غیر قابل استفاده بودن آب آن، بعلت نبودن منبع دیگری اهالی اجباراً از این آب برای آشامیدن استفاده می کنند. این رودخانه فاقد پل می باشد و عبور از آن بخصوص در فصل بهار با سختی زیادی صورت می گیرد. روستا با بنای دبستان و کلاس به نام اردو دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانی به شوط می روند. بعلت دور بودن راه و محدودتیهای موجود دختران اکثراً فقط تا کلاس پنجم تحصیل می کنند، اکثر اهالی روستا بی سوادند.

اراضی روستا تماماً در کنار رودخانه زنگبار قرار دارند و زمینهای حاصلخیزی هستند. محصولا تین روستا عبارتند از: کدو، برنج و انواع صیفی جات و آفتابگردان و گندم غالب بهار است. هرچند ۲-۳ دامدار بقیه اهالی کشاورزند. بهترین و بهترین زمینهای روستا در حدود ۱۵ هکتار متعلق به جنگیز حیدرزاده، ارباب روستا می باشد. این زمینها در جریان اصلاحات ارضی سال ۴۲ به عنوان بهره مالکانه بوی تعلق گرفتند. این زمینها توسط دهقانان بی زمین (خوش نشینها) گشت می شود. ۱۵ خانوار دارای ۲-۴ هکتار زمین هستند. چهار، پنج نفر از اهالی نیز در این روستا هر کدام در حدود ۲۵-۱۰ هکتار زمین دارند. ۶۰ خانوار هیچ زمینی ندارند و بقیه اهالی روستا زمینهای کوچکی در اختیار دارند. خوش نشینها با کارروی زمینهای ارباب و خرده مالکین امرامعاش می کنند. آنها محصول را به نسبت ۱ با مالک تقسیم می کنند. باین ترتیبکه تمامی کارهای کاشت و برداشت به عهده دهقانان بی زمین است. و محصول پس از کسر حق آب شخم و بندرو...

به نسبت ۱ تقسیم می شود و سهم ناچیزی که باین ترتیب عاید آنها می شود تنها زندگی بخور و نجیری را برایشان تأمین می کند. آنها در فقر و فلاکت چشمگیری بسر می برند. نماینده ارباب (ارباب در تهران زندگی می کند) شخصی باسماطاسر کریمزاده است که خود نیز زمینهای در این روستا دارد. او سر سر تقسیم محصول و آبیاری مزارع روستائیان زحمتکش را زیر قشرار شدیدی قرار می دهد، روستائیان دل پر خوبی از این مزدور اربابدارند. بدنیال قیام شکوهند خلقهای ایران و سرنگونی رژیم خونخوار پهلوی، زوزه تقسیم زمینهای اربابینشروع شد. در اوایل دیماه سال ۵۸ خنده مالکین طی نامه ای به سپاه پاسداران خواستار تقسیم زمینهای اربابی شدند. دهقانان بی زمین نیز

خواستار تقسیم زمینهای اربابی شدند. دهقانان بی زمین نیز طی شکایت رسته جمعی به سپاه پاسداران ماکو و ارومیه و مراجع خواستار صادره و تقسیم زمینها گردیدند. اما جواب مشخصی دریافت نکردند. در بهمن ماه سال ۵۸ فرمایشی از طرف اداره تهران برای تمدادی از خوش نشینان فرستاده شد که پس از شنیدن نبردن به اداره مزبور ارسال گردید.

مسئله ای که در رابطه با تقسیم اراضی اربابی قابل توجه است اختلاف دهقانان کم زمین و بی زمین در تقسیم و تصاحب زمینهاست. این مسئله توسط نماینده ارباب بیشتر دامن زده میشود. او گاهی با پیش کشیدن این موضوع که من زمینها را بعدت سه چهارسال اجاره کرده ام و کسی حق دست زدن به آنها را ندارد سعی می کند مانع تقسیم زمینها شود و گاهی نیز مزورانه از دهقانان بی زمین حمایت کرده و آنها را مستحق دریافت زمین می داند. باین ترتیب و توانسته با ادامه زدن به اختلافات تا کنون مانع وحدت دهقانان بی زمین و کم زمین شده و جلوی تقسیم زمینها را بگیرد.

در تاریخ ۱۶- بهمن سال ۵۸ دهقانان کم زمین صلحنامه اقدام به علامت گذاری و تقسیم زمینهای ارباب بین خود می نمایند. خوش نشینها برای جلوگیری از هرگونه درگیری در آن روز به محل نمی روند. روز بعد صاهورین پاسگاه ژاندارمری شوط اعلام را جمع آوری می کنند.

دهقانان بی زمین نیز با انتخاب و نماینده و مراجعه به ادارات و مراجع مختلف سعی می کنند تا زمینه تقسیم اراضی اربابی را فراهم سازند آنها می گویند: "دیگر تحمل ما تمام شده هر چه رنج کشیدیم بیم کاشیست. ما تا پای جان برای تقسیم زمینها مبارزه خواهیم کرد." آنچه بروشنی در جریان است این روستا به چشم می خورد اختلاف دو گروه از زحمتکشان آنست که تا کنون آنها را از گرفتن حق مسلم شان بازداشتند. هر دو گروه دهقانان بی زمین و کم زمین خواهند تقسیم زمینهای هستند که از آنها نصیب است. این زمینها متعلق به همه آنهاست و زحمتکشان این روستا حق دارند که آن را از چنگ ارباب خارج کرده و در اختیار خود بگیرند. آنها اگر دستمزد و در اتحاد با هم دست به تشکیل شورای مشکل از نمایندگان واقعی خود زده و بکمال آن این زمینها را صادره می نمودند و با حمایت قاطعانه از شورای منتخب خود به محافظت زمینهای خود می پرداختند مسلماً تا کنون زمینها در اختیار آنان بود و کسی نیز قادر به ایجاد اختلاف و ممانعت از دست یافتن آنان به حقوق مسلمشان نمیتوانست بشود. در چنین صورتی آنها میتوانند مشترکاً به کشت زمینها بپردازند که طبیعتاً میتواند محصول بیشتر و زندگی بهتری را برایشان تأمین نماید.

موضوع دیگری که باید به آن توجه شود و میتواند تجربه خوبی برای کلیه زحمتکشان میهنمان باشد، امید واهی زحمتکشان این روستا است. آنها امید دارند که کسی بیاید و زمینها را بینشان تقسیم کند و حق آنها را بدهد. زحمتکشان روستای شوط باید بدانند که تا زمانیکه خود در صدد صادره زمینهای اربابی برنمایند و هرگاه نخواهند که خود مستقیماً در جهت کاشت و برداشت محصول برای زمینها بقیه در صفحه ۴

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

ارومیه

کارگران کاناداداری :

« کارگریب و زانست ، سرهایه دار نابود است »

« ما کسانی را که در حرف با امپریالیسم مبارزه می کنند اما در عمل سرمایه داران وابسته را تقویت و کارگران را سرکوب می کنند ، رسوا خواهیم ساخت »

« ما با کارگران اعتصابی ۳۴ کارخانه استان گیلان

احساس همدردی و اعلام همبستگی می کنیم »

کارگران مبارز کارخانه کاناداداری از چند هفته پیش برای دریافت حداقل حقوق روزاایشان از جمله سود ویژه و پاداش شب عید دست به مبارزه زدند . آنان که در تمام مدت مبارزه با حیلله های مختلف کارفرما روبرو بودند ، در روز ۵ و شنبه ۵۸/۱۲/۲۰ در ساعت ۳ بعد از ظهر در موقع تعویض شیفت روزانه در محل کارخانه اجتماع می کنند .

خودشان را نمایندگان کارگران در این اجتماع نتایج اعتراضات و پیگیریهای قانونی آن در رابطه با اداره کار و مسئولان دولتی مطرح کرده و در حضور کلیه کارگران این مسائل را مورد بررسی قرار میدهند .

کارفرما (مجیدی) که از رشد مبارزات کارگران و بالا رفتن سطح آگاهی آنان سخته هراس افتاده بود ، با اغفال تعدادی از کسارگران کارفرموش و به بهانه اینکه عناصر ضد انقلابی و اخلا لگدر در کارخانه نفوذ کرده اند ، کارخانه را تعطیل می کند .

تعطیل کارخانه ۴ روز بطول می انجامد و در این بین هیچ شکایات و اعتراضات کارگران نمیتواند کارفرما را به باز شدن کارخانه وادار نماید . کارگران تصمیم می گیرند همراه با دیگر کارکنان کارخانه برای راه پیمائی و تظاهراتیه شهر بیایند ، تا بدین وسیله خواسته هایشان را بگوش مردم برسانند . آنان صبح روز شنبه ۵۸/۱۲/۲۵ در حالیکه پلا کاردهائی با خود حمل می کردند ، از استادبوم شهر به طرف ساختمان استانداری در خیابان فاطمی راه پیمائی کردند .

کارگران در طی راه پیمائشی با شعارهای حقیقیزدن گنجبرخ - دنیا اگر ویران اول (از حقمان نمی گذریم اگر دنیا ویران شود) ، قان وردیخ ، جان وردیخ - حقیقیزه جاتماویخ (خون دادیم ، جان دادیم - به حقمان نرسیدیم) قان ندیم - جان ندیم - حقیقیزه حقیقیزه خون چیسته جان چیسته - حقمان ، حقمان (سازشکاران بدانند - کارگران بیدارند .

کارگریب و زانست - سرمایه دار نابود است . خواستهها و نظراتشان را به میان انبوهی از جمعیتکه ناظر تظاهرات آنان بودند ، رساندند . همچنین روی پلاکاردهای آنها شعارهائسی از قبیل :

« ما کسانی را که در حرف با امپریالیسم مبارزه می کنند اما در عمل سرمایه داران وابسته را تقویت و کارگران را سرکوب می کنند ، رسوا خواهیم ساخت » .

« ما با کارگران اعتصابی ۳۴ کارخانه استان گیلان احساس همدردی و اعلام همبستگی می کنیم » .

« تا نابودی سرمایه داران بزرگ و اربابانسان تاپای جان می جنگیم » کارگران بعد از طرح یک سری از خواسته هایشان وارد ساختمان استانداری شدند و خواهان رسیدگی به خواسته هایشان گردیدند و اعلام کردند که تا زمانیکه مقامات مسئول به خواستههای آنان رسیدگی نکنند سالن را ترک نخواهند کرد .

بعد از چند ساعت فلاح یکی از مسئولین کمیته در جمله تحصن برای کارگران صحبت کرد و گفت که شما امشب استانداری را ترک کنید ، من به شما قول میدهم که تا فردا به خواستههایتان رسیدگی شود و اگر رسیدگی نشد باز برگردید و به تحصن خود ادامه دهید . کارگران در ساعت ۱ شب استانداری را ترک کردند .

گزارشی از

مبارزات کارگران کارخانه قند میاندوآب

کارگران کارخانه قند دولتی میاندوآبکه در حدود ۲۰۰ نفر هستند از اواخر بهمن ماه برای بر آورده ساختن خواستههای خود دست به مبارزه پیگیرانه ای زدند . آنان ابتدا خواستههای خود را بشرح زیر به اداره کار ، فرمانداری و مدیر عامل کارخانه اعلام کردند :

- ۱- دادن حق اولاد
- ۲- کارخانه اقدام به تولید شکر بکند تا کارگران موقت کارخانه بیکار نشوند .
- ۳- دادن یک کوبی قند و شکر به کارگران به قیمت دولتی
- ۴- اگر کارخانه تعطیل شود به کارگران موقت کارخانه حقوق بیکاری داده شود .

۵- اگر کارخانه بعد از تعطیل شدن دوباره شروع به کار کرد ، همین کارگران با حفظ سابقه کار استخدام شوند و آنان چندین باره به ادارات مزبور مراجعه می کنند ولی هر دفعه به بهانه ای آنان را دسته سر می کنند .

کارگران که در نتیجه مراجعات مکرر به ادارات و به لزوم داشتن نماینده واقعی که بتواند با پیگیری و قاطعیت خواستههای آنان را دنبال کند بی برده بودند ، تصمیم می گیرند برای خود نماینده انتخاب نمایند . و کارگران هر شیفت برای خود ۲ نفر نماینده تعیین می کنند . نمایندگان کارگران هر روز به اداره کار و فرمانداری مراجعه می کنند تا به خواستههای کارگران جاه عمل بیوشانند ، ولی مراجعات مکرر آنان بی نتیجه می ماند .

تا اینکه در تاریخ ۵۸/۱۲/۶ افرادی از سپاه پاسداران به کارخانه ریخته و نمایندگان کارگران را دستگیر می کنند . این عمل پاسداران هیچ اعتراض کارگران را بر می انگیزد ، آنان تصمیم می گیرند قاطعانه از نمایندگان خود دفاع کنند ، و به همین جهت ابتدا کارگران شیفت ۱ بعنوان اعتراض به عمل پاسداران هم در روز دست از کاری کشند .

اعتراض کارگران به اخراج خود از شرکت سیوند

حدود سه ماه پیش ۲۸ نفر از کارگران شرکت سیوند واقع در علیرضا آباد سابق مغان توسط روحانی رئیس این شرکت اخراج شده اند گروهی از کارگران اخراجی طی شکایتنامه‌ای به وزارت کار پارس آباد مغان درخواست رسیدگی به وضع خود شده اند. روحانی به هنگام اخراج کارگران هیچک از مطالبات آنان را لهم از دستمزدها مقصور شده بعد از انقلاب، حق مسکن، سود ویژه را نپرداخته و کارگران را تهدید کرده است که در صورت اعتراض آنان راهپایان غیر انقلاب به دادگاه انقلاب و تحویل خواهد داد.

کارگران ضمن شکایت به اداره کار از تمامی نیروهای انقلابی مدافع کارگران و زحمتکشان خواستار پشتیبانی شده اند.

ما پشتیبانی خود را از مبارزه شما کارگران مبارز شرکت سیوند اعلام داشته و نامه ای را که برای وزارت کار نوشته اید چاپ می کنیم. و متذکر میشویم که شما کارگران سیوند با اتحاد با دیگر کارگران و در پیوند با نیروهای انقلابی طرفدار طبقه کارگر است که مبارزه بی امان و قاطع خود را برای تحقق خواسته‌های خود و در جهت ایجاد زندگی نوینی که عاری از ظلم و استثمار باشد به پیش برده و پیروز خواهید شد.

با امید به پیوند هر چه محکمتر کارگران با نیروهای انقلابی و طرفدار طبقه کارگر.

سازمان فدائی

تأمین و دست قلم
 ۱- آذربایجان آزادی
 ۲- سید و آقا
 ۳- سید و آقا
 ۴- سید و آقا
 ۵- سید و آقا
 ۶- سید و آقا
 ۷- سید و آقا
 ۸- سید و آقا
 ۹- سید و آقا
 ۱۰- سید و آقا
 ۱۱- سید و آقا
 ۱۲- سید و آقا

- ۱۲- سید و آقا
- ۱۳- سید و آقا
- ۱۴- سید و آقا
- ۱۵- سید و آقا
- ۱۶- سید و آقا
- ۱۷- سید و آقا
- ۱۸- سید و آقا

- ۱- سید و آقا
- ۲- سید و آقا
- ۳- سید و آقا
- ۴- سید و آقا
- ۵- سید و آقا
- ۶- سید و آقا
- ۷- سید و آقا
- ۸- سید و آقا
- ۹- سید و آقا
- ۱۰- سید و آقا
- ۱۱- سید و آقا
- ۱۲- سید و آقا

گزارشی از مبارزات کارگران ۰۰۰ بقیه از صفحه ۶

و کارگران شیفت ۳-۲-۱ اعلام می کنند اگر نمایندگانشان تا فردا آزاد نشوند، آنها نیز دستاز کار خواهند کشید. بر اثر فشار کارگران و همچنین همبستگی و اتحاد آنان هیچ اعتراض کارگران، سپاه پاسداران مجبور به عقب نشینی شده نمایندگان کارگران را شبانه آزاد می کنند.

کارگران همچنان به مبارزه خود ادامه داده و در نتیجه یکپارچگی و قاطعیت خویش تعدادی از خواسته‌های خود از قبیل لباس کار، حداقل و... را میگیرند و هم اکنون برای رسیدن به دیگر خواسته‌های خود به مبارزه یکپارچه خود ادامه میدهند.

کارگران کارخانه قند خوی

صاحب کارخانه را اخراج کردند

روز چهارشنبه ۱۵/۱۲/۵۸ کارگران کارخانه قند خوی حاج احمد طرخانی فرزند حاج طرخانی صاحب کارخانه را که مسئول کارخانه قند بود اخراج کرده و دیگر اجازه ورود به کارخانه را به او نمیدهند. حاج احمد طرخانی در سرکشی و باز دید از کارخانه برای اخراج رئیس کارخانه (مهندس کریمی) و جلب اعتماد کارگران به آنان می گوید: " که رئیس کارخانه مانع رسیدن شما به حقوقتان می شود " بدین وسیله کارگران را بر علیه رئیس تحریک می کند. ابتدا چند نفر از کارگران نا آگاه گول طرخانی را می خورند و اقدام به اخراج رئیس می کنند. سپس کارگران آگاه می می برند که رئیس کاره ای نیست و حاج احمد طرخانی او را آورده و مقصر اصلی حاج احمد طرخانی می باشد. پس از بی بردن به این موضوع به او می گویند همانطوریکه اجازه ورود به کارخانه قند ارومیه را نداری، اگر به اینجا نیز بیایی پایت را قلم می شکنیم.

گروهی از کارگران چرمسازی امتیاز:

« کارخانه باید بنفع کارگران صادره شود »

گروهی از کارگران اخراجی چرمسازی امتیاز علیه تعطیل کارخانه توسط حاجی علی اصغر دباغزاده (هخرچو) به اداره کار شکایت کرده اند. کارگران اخراجی که تعدادی از آنان بیست سال سابقه کار دارند میگویند: " تمام ویلاها، خانه‌ها و سایر اموال حاجی علی اصغر خون سالها استثمار و رنج ما کارگران است. تمام اموال او باید به نفع کارگران صادره شود. "

حاجی علی اصغر بعد از تعطیل کارخانه به واردات چرم از هندوستان پرداخته است. او که بیضک از اعتراض دسته جمعی کارگران علیه تعطیل کارخانه بود، آنها را بتدریج از کارخانه اخراج کرده است. ولی گروهی از کارگران اخراجی متحداً علیه او به اداره کار شکایت کرده اند. و خواستار صادره کارخانه به نفع کارگران شده اند.

گزارشات و مدارک ارسالی ۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۲

به همه کارگران که در راه رهائی از یوغ امپریالیسم و نظام سرمایه داری مبارزه میکنند .

کارگران ایران مبارز!

امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن و نمایندگان سرسپرده شان در دولت و شورای انقلاب برای به شکست کشاندن جنبش کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما توطئه جدیدی را در

دارخانه و روستا ، مدرسه و دانشگاه به اجرا در می آورند . این دشمنان انقلاب با ایران که رشد جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما را مانعی در راه غارتگری های بی پایان شان می بینند کمر به سرکوبان بسته و با انواع توطئه های ضد خلقی خواهان آنند که بار دیگر حاکمیت خلافت امپریالیسم را بر میهن ما برقرار نمایند .

دشمنان انقلاب یعنی امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن پیش از هر نیرویی از قدرت انقلابی شما کارگران میهن ما در هر اسناد ، آنان خوب میدانند که اگر کارگران متحد شده و به مبارزه برخیزند ، امپریالیسم و عمالشان سرنوشتی جز پایان یافتن زندگی سرتاپا انگلی شان ، جز قطع بدون تمید و شرط و قیدی غارتگریها و زورگوییهایشان سرانجام دیگری ندارند . سرمایه داران وابسته

به امپریالیسم و نمایندگان سرسپرده شان در دولت و شورای انقلاب از آگاهی و تشکل شما کارگران ، از اتحاد زحمتیان با دهقانان و سایر زحمتکشان به هراسی مرمک بار افتادماند و در اینجا و آنجا به اشکال گوناگون توطئه می چینند تا مانع از رشد مبارزه انقلابی کارگران و دیگر زحمتکشان میهن ما گردند .

این دشمنان انقلاب بعد از بیرون وحشیانه شان به خلق قهرمان کرد ، بعد از به توپ بستن ستاد انقلابی شوراها و دهقانان ترکمن و کشتار وحشیانه رهبران آن در صدد نابودی شوراها و انقلابی کارگران و سرکوب مبارزه حق طلبانه کارگران آمده اند ، در همین رابطه است که در آستانه دومین بهار خونین ما شاهد توطئه های ضد کارگری در سرتاسر میهن ما هستیم .

چند روز از حمله وحشیانه به تظاهرات کارگران و زحمتکشان بیگار و کشتار چند تن از این فرزندان انقلابی در اندیشه نگذشته که کارگران و زحمتکشان بیگار در تبریز آماج حمله مزدوران سرمایه داری قرار گرفته و نمایندگان شان در شب عید در بازداشتگاهها زندانی میشوند .

و این اعمال ضد کارگری در زمانی صورت میگیرد که به فتوای آیت الله خمینی مزدوران ارتش و شهرهائی مورد عفو قرار میگیرند . در چنین روزهای اتحاد شوراها و انقلابی کارگران ما شین سازی لیفیت تراک سازی و پمپران ، هاکسیران دیزل ، کمپیتر و موتورن ، تراکتور سازی برای مقابله با سرمایه داران و نمایندگان شان در ولایت و شورای انقلاب ، نوید بخش حرکت انقلابی نوینی است در جنبش خلقی . اتحاد شما کارگران صنعتی تبریز برای دریافت سود ویژه و عیدی سدی بود در مقابل اعمال ضد کارگری دولت و شورای انقلاب جمهوری اسلامی .

تحصن شکوهند کارگران ما شین سازی لیفیت تراک سازی ، کهریب سازی فولکسی و کمپید و

تحصن شکوهند کارگران ما شین سازی لیفیت تراک سازی ، کهریب سازی فولکسی و کمپید و

حمایت میدریغ دیگر کارگران صنعتی از آنان ، علیرغم تمام تلاشهای مزدوران سرمایه داران مانند استانداری ، مدیر عامل کارخانه و غیره بحیثی نشان داد که طبقه کارگر میهن ما هر روز که میگذرد بیسی از پیش به حقوق طبقاتی خویش آگاهی یافته و به ضرورت اتحاد و تشکل خویش بیشتر میسرند .

کارگران ایران مبارز!

امپریالیسم تنها زمانی میتوانند به حیا شکنین خود ادامه دهند که حاصل کار کارگران و زحمتکشان را به غارت ببرند . آنان تنها به قیمت فقر و تنگدستی شما کارگران و دیگر زحمتکشان که هر روز فربه تر میشوند . شما کارگران برای مقابله با امپریالیسم و طبقه سرمایه دار بزرگترین و قویترین سلاح را در اختیار دارید .

آن اتحاد و تشکل طبقه کارگراست . تشکل کارگران و وحدت و همکاری با دهقانان و دیگر زحمتکشان قطعاً امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن را نابود کرد و مخلق میهن ما را از اسارت و بردگی ، از فقر ، گرسنگی و بی خانمانی نجات خواهد داد .

ما اتحاد قدرتمند کارگران تبریز را گامی بزرگ در این راه میدانیم و ایمان داریم که کارگران میهنمان هر جریان مبارزه انقلابیشان بزودی دوستان و همفکرانشان را بیشتر از پیش خواهند شناخت و به مقابله ای قاطع و سهمگین بر علیه آنان بر خواهند خاست .

ما ایمان داریم که تمامی طرحهای امپریالیسم و طبقه سرمایه دار در ایران در نتیجه رشد جنبش کارگران و اتحاد انقلابیشان با دیگر زحمتکشان ، شکست خواهد خورد .

ما در آستانه دومین بهار خونین ، وحدت کارگران صنعتی تبریز را بعنوان " حرکتی نوین و انقلابی در مقابله با امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران دانسته و بدین وسیله گرم ترین درود های رفیقانه ما را ابراز میداریم .

" سرافرازشته باد پرچم رزم کارگران و زحمتکشان ایران " " پیروز باد جنبش ضد امپریالیستی و موکراتیک طبقه کارگر و سایر زحمتکشان " " سرک بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابسته گانش " " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -

شاخه آذربایجان ۵۸ / ۱۲ / ۲۸

بیکاران تبریز بقیه از صفحه اول

اینها بیکار نیستند، اینها اخلا نکردند، اینها عدم انقلابی نیستند. کارگران با دلگرمی مشغول کار شدند و امیدوار بودند بزودی رسمی شوند و سروسامانی بگیرند. ولی دولت‌جای استبداد رسمی بعد از ۱۵ روز آنها را جواب کرد. کارگران مذکور بناچار روز ۲۷- اسفند در جلو ساختمان شهرداری تیریز اجتماع کرده و خواستار کار دائمی میشوند. آنها شعار میدادند "کارگره این اولسون اکینجیه یئر اولسون، امریکا نابود اولسون" (کار برای کارگر زمین برای بزرگ، نابود باد امریکا). چون کسی به آنها جواب نمیدهد تصمیم میگیرند به طرف استانداری راهپیمایی کرده و خواسته‌های خود را با استاندار مطرح نمایند. صف آنان با شکوه و عظمت هر چه تما متر به حرکت در می آید، خشم عمیقی بر چهره‌شان نمایان است. آنان یکصدا فریاد میزنند "کارگره این اولسون . . ." و "ایشلک، ایشلک هر انسانین حقیقی". (کار کردن، کار کردن حق هر انسان است).

صف یکپارچه کارگران مورد تهاجم عمال سرمایه داری قرار میگیرد اما کارگران قاطعانه مهاجمین را از صف خود بیرون می رانند و راهپیمایی ادامه می یابد شعار "زهتکشلر بیلشین، امریکا نابود اولسون، ایشچیلره این اولسون" (زهتکشان متحد شوید تا امریکا نابود شود و برای کارگران کار ایجاد شود) طنین افکن است. صف کارگران به جلو استانداری میرسد. در جلو استانداری افسران آریامه‌ری مستقر هستند، سروان شجاعتی از افسران وفادار رژیم سابق و مدیر داخلی زندان شاه و ما مور ساواک در بین آنان پنجم می خیزد. وی هم اکنون یکی از مقامات امنیتی تبریز بشمار میرود. در جلو استانداری ما مورین کمیته‌ها و مزدوران سعی در از هم پاشیدن صف متشکل کارگران می کنند آنها به کارگران نمی گویند "در بین شما اخلا لگران کمونیست و فدائی رخنه کرده اند، و پاهای خنک دندان شکن کارگران خشمگین را می شنوند که "اخلا لگران سرمایه داران و عمال آنها هستند".

کارگری می گوید: "عیب است، بچه ام گفتن ندارد، زخم لباس ندارد، لباسهای پاره پاره است، بچه ام شیرینی می خواهد، برای میهمانی چیزی ندارم. سرمایه داران این خیر آسامان زالو صفت تمام دسترنج ما را به غارت برده اند و برایمان به جای نار، به اصطلاح صیر انقلابی تحویل میدهند".

در جلو استانداری نمایندگان واقعی کارگران براد آنان در باره حیله سرمایه داران و امپریالیزم، مبارزه طبقاتی و معنای کار دائم و مفید سخن می گویند و کارگران با شور و شوق و باصمیمیت استنان را تا بید می کنند.

ساعت از ۱۱/۵ گذشته است کارگران بزور محوطه استانداری شده و در آنجا تجمع می کنند استاندار نماینده کارگران را دعوت به مذاکره می کند، یک ساعت، دو ساعت از رفتن نمایندگان گذشته ولی هنوز از وی خبری نیست، کارگران کم نگران میشوند، آنان وجود نوطه ای را حس می کنند، بزودی معلوم میشود استاندار حادثه‌ها نمایندگان بیکاران را دستگیر کرده است. کارگران بحس اطلاع از جریان شدت

خشمگین شده یک صدا خواستار آزادی نمایندگان خود میشوند. کارگری خشمگین فریاد برکشید: "رفقای کارگر ما شرف نداریم هر گاه از اینجا بدون نماینده هایمان برویم" کارگران یکصدا گفتند: "صحیح است، صحیح است". کارگران پشت از این عمل خشمگین شده و با نفرت فریاد میزدند [بیز صمدی ایستروخ" (صمد را می خواهیم) و "ملت قضاوت ایله کارگرن طرفدارین تود یلار (ملت قضاوت کن طرفدار کارگرا دستگیر کردند) . خشم کارگران به اوج خود میرسد آنان اعلام تظاهرات کرده و در محوطه استانداری دست به راهپیمایی میزنند، کارتری که نان خالی بین دیگر کارگران توزیع میکرد زیر ضربات مشت و لگد ماورین قرار میگیرد و بالاخره ماورین کمیته و شهربانی با ایجاد تشنج و درگیری صحنی شروع به تیراندازی می کنند و متعاقب آن عده زیادی از کارگران بیکار دستگیر میشوند.

عده‌ای از پاسبانها همراه فرمانده مزدور خود سروان شجاعتی در سرکوب کارگران شرکت داشتند و کارگران روزهای قیام و راهای خیابانی را به آنها یاد آوری میکردند. کارگران دوباره متشکل شده شروع به راهپیمایی می کنند طنین خشمگین شعار "ملت قضاوت کن ایله دولتین بایر املیتی بیکار لارا گلدی" (ملت قضاوت کن عیدی دولت برای بیکاران گلوله است) فضا را پر کرده است، موج دستگیری ادامه میابد و مراسم ما مورین با حمله به صف کارگران و دستگیری حدود ۵۰ تن از بیکاران، تظاهرات آنها را بهم میزنند دستگیر شدگان را با تهدید کلت و زیر ضربات مشت و لگد به کمیته بازرسی همان کمیته ای که ماورین آن در به شهادت رساندن رفیق داود مستقل شرکت داشتند. هم اکنون این عده در زندان بسر میبرند ما ضمن اعلام پشتیبانی قاطع خود از مبارزات کارگران بیکار دستگیری کارگران مبارز را شدیداً محکوم کرده از تمام نیروهای انقلابی و کارگران مبارز میخواهیم در راه آزادی دستگیر شدگان با تمام توان خویش بکوشند.

کتابهای مالی رسیده به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -

شاخه آذربایجان		کتاب	مبلغ به ریال	کتاب	مبلغ به ریال
		۸۸۸-۴	۱۲۰۰۰	۸۸۸-۴	۱۲۰۰۰
		۷۸۱-۴	۱۱۰۰۰	۷۸۱-۴	۱۱۰۰۰
		۱۱۱-۳	۱۱۲۲-۲	۱۱۱-۳	۱۱۲۲-۲
		۷۰۰-۳	۸۲۱-۲	۷۰۰-۳	۸۲۱-۲
		۱۱۳۱-۲	۱۱۱-۱	۱۱۳۱-۲	۱۱۱-۱
		۲۱۵-۱	۱۰۰-۱	۲۱۵-۱	۱۰۰-۱
		۱۲-۱	۵۲۱-۲	۱۲-۱	۵۲۱-۲
		۱۸۰۰۰	۱۰۱-۱	۱۸۰۰۰	۱۰۱-۱
		۱۱۲-۳	۲۰۰-۱	۱۱۲-۳	۲۰۰-۱
		۱۲-۳	۲۱۵-۳	۱۲-۳	۲۱۵-۳
		۲۲۷-۳	۲۰۰-۱	۲۲۷-۳	۲۰۰-۱
		۱۵۸-۳	۲/۱۱-۱	۱۵۸-۳	۲/۱۱-۱
		۲۱۱-۳	۱۰۰-۱	۲۱۱-۳	۱۰۰-۱
		۲۲۱-۲	۸۷۵-۳	۲۲۱-۲	۸۷۵-۳
		۱۰۰-۳	۱۱-۱	۱۰۰-۳	۱۱-۱
		۱۰۰۲-۲	۱۰۰-۱	۱۰۰۲-۲	۱۰۰-۱
		۱۱۱۱-۲	۱۱-۱	۱۱۱۱-۲	۱۱-۱
		۲۲۲۲-۳	۱۱۱-۱	۲۲۲۲-۳	۱۱۱-۱
		۱۱۱-۱	۲۱-۲	۱۱۱-۱	۲۱-۲
		۱۱۱-۳	۱۱-۱	۱۱۱-۳	۱۱-۱
		۲۲۲-۲	۱۱-۱	۲۲۲-۲	۱۱-۱
		۱۲-۲	۹۲۵-۳	۱۲-۲	۹۲۵-۳
		۱۱۲۱-۲	۲۰۰-۱	۱۱۲۱-۲	۲۰۰-۱

کتاب	مبلغ به ریال
خ - ۱۲	۴۵۰۰
ج - ۷۸۷	۵۰۰
ح - ۳۳۳	۳۰۰۰
ت - ۵۵	۲۰۰۰۰
ق - ۲۹	۳۰۰۰۰

گزارشات و مدارک رسالی از تقلبات و سوءاستفاده‌های گسترده در انتخابات آذربایجان

را نگاه میکردیم حدود ۹۰ درصد آنان از روستاهای اطراف تبریز بودند که برای پیدا کردن کار و لقمه نانی به تبریز آمده بودند. اکثر رای دهنندگان اسم شش نفر را در کاغذ های یک شکر می آوردند و میگفتند بر ایمان بنویسید. رای دهنندگان حتی اسامی کسانی را که روی کاغذ نوشته بود نمی دانستند.

حوزه ۸۷ کوی مجاهدین کویچه باقلاچیان مسجد امام حسن رای گیری ساعت ۸ صبح شروع شد. بعضی ها به غیر از شناسنامه خود چند شناسنامه دیگر را که متعلق به خانواده شان بود همراه آورده بودند. من به این مسئله اعتراض کردم و متذکر شد م که هر کس فقط میتواند با درست داشتن شناسنامه خود رای بدهد. رای دهنده ها می گفتند که ما دفعات قبل هم بدین منوال رای می دادیم.

حوزه شماره ۶۶ مسجد قائم آل محمد

از مجموع ۷۷ نفری که رای دادند تنها در حدود ۳۵ نفر آرایشان را خودشان نوشتند. از بقیه مراجعین عدماپی تکه کاغذ هائسی با خود آورده بودند که اسامی ۶ نفر از کاندیداهای جمهوری اسلامی را درونشان نوشته بود. جالب توجه اینکه از این کاغذ ها رونوم بود. یک نوع صفحات کوچک که با خود کار آبی نوشته شده بود و نوع دوم تکه های کوچک کاغذ ۵x۵ سانتی متر که روی آنها نیز با خود کار سبز نوشته شده بود. تمام کاغذ ها از این دو نوع بود. زنان محل شناسنامه های شوهرانشان را آورده بودند و اظهار میداشتند شوهرانشان سرکار رفته اند و ضرر بر بر میگردند و می خواستند بجای آنها رای بدهند. من مانع اینکار شدم. در نتیجه تاثیر تبلیغات روحانیون زنان فکر میکردند اگر شوهرانشان نتوانند قبل از بستن صندوقها آرایشان را بریزند در آن دنیا جزاینرا نخواهند دید و به جهنم خواهند رفت. آنها بیشتر از جزای آخرت میترسیدند تا اینکه در فکر فرستادن نماینده واقعی خود به مجلس شورای ملی باشند. موارد متعددی مشاهده شد که افراد چندین شناسنامه را خود آورده بودند و میخواستند بجای چند نفر رای بدهند. آخوند محل برای رونفر که سنشان کمتر از ۱۶ سال بود و خودشان نیز حضور نداشتند برگ تمرنه نوشته بود که مانع از انداختن رای به صندوق شدم.

فوتان و حومه

اولین چیزی که به چشم میخورد تعداد کم شرکت کنندگان بود. بعدا معلوم شد که از ۶۰۰ نفر حائز شرایط تنها ۱۴۰ نفر شرکت کرده اند.

یکی از هواداران سازمان ما برای تهیه آمار، اسامی کسانی را که به کاندیداهای سازمان رای میدادند یادداشت میکرد. در صندوق بقیه در صفحه ۱۱

گزارشهای رسیده از تبریز و سایر شهرستانهای آذربایجان نشان میدهد که هیات حاکمه چگونه از بیسوادی و ناآگاهی توده های زحمتکش برای تصاحب کرسیهای مجلس استفاده میکند. بیسوادی توده ها که نتیجه سالها سلطه امپریالیسم و سرمایه داران بر میهن ماست بستر مناسبی برای اعمال نفوذ و تحکیم قدرت هیات حاکمه است. گزارشها بیانگر کاهش اعتماد مردم به حاکمیت در شهرهای آذربایجان مانند شهرهای سراسر میهن است. ما در زیر برای افشاء هر چه بیشتر هیئت حاکمه قسمتی از گزارشهای رسیده را از حوزه های انتخاباتی را عینا نقله میکنیم.

حوزه شماره ۷۳ مسجد باب الحوائج

ساعت ۷/۵ رای گیری شروع شد. محله خیلی فقیرنشین بود و اکثر رای دهنندگان بیسواد بودند و همراه خودشان لیست شش نفری حزب جمهوری اسلامی را می آوردند. کمیته پنج نفری محل بر ریاست آخوندی بنام ناصر و سایر نمایندگان از شهرستانی و کمیته بازرس و سیاه پاسداران وقتی متوجه شدند که من از طرفی فدائیان خلق ناظر بر انتخابات هستم که خورده و دستهای خودشان را کم کردند و مواظب رفتار خودشان بودند. با مراجعه کنندگان طوری رفتار شده بود که گویا مهر نخوردگی شناسنامه باعث تعقیب و اذیت آنان خواهد شد. بیشتر مراجعین کنندگان وقتی میخواستند رای بدهند می پرسیدم به کی میخواهی رای بدهی میگفت مهم نیست فعلا مهرا بزن بعد هر کس را که خواستی بنویس. بعد از شمارش آرا معلوم شد ۵۱۱ نفر در این انتخابات شرکت کرده اند. مقایسه تعداد شرکت کنندگان در اولین فرانسوم جمهوری اسلامی تا انتخابات مجلس شورای ملی سیر نزولی تعداد شرکت کنندگان را نشان میدهد.

فرانسوم جمهوری اسلامی	۱۸۰۰	ریاست جمهوری	۸۰۰
مجلس خبرگان	۱۳۰۰	شورای ملی	۵۱۱
قانون اساسی	۱۱۰۰		

حوزه شماره ۵۲ سیلاب قوشخانه

در دو سه مورد افرادی میخواستند هر یک با چند شناسنامه رای بدهند که جلوگیری کردیم. دقیقا ۹ درصد افرادی که رای دادند بیسواد بودند. چون از حدود چهار صد نفر فقط بیست نفر خودشان اسامی را نوشتند. اکثریت رای دهنندگان لیست شش کاندیدای جمهوری اسلامی را روی میز میگذاشتند و میگفتند بر ایمان بنویسید

حوزه اسکی و حومه

۵ درصد رای دهنندگان را زحمتکشان تشکیل میدادند که اکثریت قریب به اتفاق آنها بیسواد بودند بعدا که تعرفه هارا

گزارشات و مدارک ارسالی بقیه از صفحه ۱۰

حوزه ۳۵ کوی ولیعهد

از همان شروع کار نماینده فرماندار در حدود مسئولیت تک تک اعضا توضیحاتی داد و از همه خواست مسئولیت خود را انجام دهند. نماینده کمیته (کمیته شماره ۱ - قهرمان عابدینی) اظهار میکرد که من باید مسلح در داخل و بر سر صندوق رای گیری باشم اختلاف بالا گرفت و وقتی نماینده های از طرف سپاه پاسداران برای نظارت به شعبه آمدند ما بر کمیته باره الو فریاد میگفت نماینده فرماندار تغلب میکند و به مردم میگوی اسم فلان کاندید را بنویسید این حرف با مخالفت همه ما روبرو شد. هدف ما بر کمیته

از بستن آنها ما خواهی این بود که کلا صندوق این شعبه را باطله شده اعلام کند که موفق نشدند. از موارد تغلب و سوء استفاده که شد پدا مورد اعتراض من قرار می

گرفت اولاً نوشتن اسامی کاندیدها بر سینه بعضی از افراد هیئت اخذ رای بود. اعتراض من تا حدی جلیبی اینکار را گرفت. ثانیاً در اعتراض متفقدین و سرمایه داران محل حدود ۱۰ الی ۱۵ نفر از کارگران کارخانه ای که خود در آنجا کار میکردند را آورده بودند و برای تک آنها رای مینوشتند. بعد از اینکه این افراد رای های خودشان را به صندوق ریختند موثر مزبور همچنان ایستاده

بودند و منتظر گروه دیگری بودند. من به این مسئله اعتراض کرده و گفتم شما حق ندارید بجای دیگران رای بنویسید و بعد از رای انداختن باید ایستادگی کنید. ولی آنه از رونقشده و میگفتند ما اینکار را خواهیم کرد. ما اجازه نمیدیم شما کمونیستها برگردید مردم سوار شوید. البته معلوم است منظور آنها از گروه مردم کرده سرمایه داران است. در هر صورت ما آنها را قاطعانه از شعبه بیرون کردیم.

نوعه دیگر از تغلب و سوء استفاده این بود که یک نفر در بیرون از شعبه اسامی ۶ نفر کاندیدهای جمهوری اسلامی را روی کاغذ نوشته و به افراد میداد که مورد اعتراض من قرار گرفت و مانع کارشخص مزبور شد.

حوزه ۳۵ خیابان ششم تان

حدود ساعت ۱۰ / ۵ صبح دو نفر با کار نظارتی حوزه آمده و ادعا کردند که ما مزبور بازرسی اند. با کثرت کارت آنها متوجه شدیم که کارت آنها کارت بازرسی نبوده و دست کاری شده است. به ما مهربان حفاظت گفتیم آنها را نقتیش بدنی کرده و بازداشت نماینده آنها با بی میلی اینکار را انجام دادند در این حین رابطه فرمانداری با کارت بازرسی آمده است استناداً که امریته بدون مهر و امضای فرمانداری آنها را آزاد کرد باین دو نفر فیا فهای آشنائی داشتند و معلوم شد که ما بر کمیته بوده اند. در ساعت ۱۱ / ۱۱ - ۵ نفر دیگر با کارت دنگاه انقلاب که نه تنها هیچگونه مسیولیتی نداشت بلکه مربوط به گشت شبانه به تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۵۸ بود به

بقیه در صفحه ۱۲

مرکزی بازار حدود ۵۰ الی ۵۵ رای به نفع کاندیدهای فدائیان خلق ریخته شد. شنبه صبح بعد از شمارش آراء تعداد رای ها گلپین را ۱۳۲ عدد فزائت کردند. معلوم شد که اکثریت آرای ما را در اطاق نظارت پاره کرده اند. رفیق آمارگر می نویسد در کوگان و حومه بطور کلی ۶۰۰ الی ۷۰۰ نفر به کاندیدهای سازمان رای دادند و ما شاهد بودیم که حدود ۱۴۰۰ نفر بیشتر در انتخابات شرکت نکردند. رای سازمان بطور کلی ۱۵۰ رای اعلام شد و بقیه رای های ما در اطاقهای در بسته به حساب شش کاندیدهای جمهوری اسلامی خوانده شد.

در کوگان در انتخابات مجلس خبرگرا نیز گلپین ۴۱۵ رای آورد بود که از طرف مقامات دست اندرکار ۱۴۵ رای اعلام شد. بالا رفتن تعداد آرای سازمان ما در انتخابات اخیر نشان دهنده نغور روز افزون سازمان ما در میان فوجتکشان است. اکثر شرکت کنندگان از جوانان بودند استقبال هالو از ما چشم گیر بود مواد اران علل استقبال بی نظیر مردم را از کاندیدهای ساتاشیر مناظره تلویزیونی سازمان و همچنین عدم بر آورد خواستهای مردم از طرف حاکمیتو قطع امید مردم از آنها میدانستند.

روستا کجیوار حوزه ۳۹۲

اکثریت مردم این روستا (۹۰ درصد) بیسواد بودند. در موقع شمارش آراء ترتیب رایها اثرات طوری بود که معلوم میشد با آگاهی صورت نگرفته است مثلاً اسم خیابانی را در کنار غروی و موسوی نوشته بودند. تعداد شرکت کنندگان در فرماندوم جمهوری اسلامی در این روستا ۱۲۰۰ نفر بود. در انتخابات ریاست جمهوری ۵۴۵ نفر شرکت کرده بودند و در انتخابات اخیر ۴۰۸ رای به صندوقها ریخته شد.

حوزه شماره ۳۸ محله چلبی مسجد امام زمان

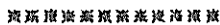
۹۰ درصد رای دهندگان بی سواد بودند و اسامی هیچیک از کاندیدها را نمی دانستند. مردم پوسترها و کارتهای راکه توسط سید جمال الدین حسینی و با همکاری دیگر ریش سفیدان تهیه شده بود می آوردند و میگفتند به اینها رای میدهم. طرفداران فدائیان و سایر نیروهای انقلابی که میخواستند رای مخفی خود را به صندوق بریزند بلافاصله مورد شناسائی انجمن نظارت قرار میگرفتند. یکی از اعضا انجمن تحت عنوان شوخی و باصدای بلند که همه بشنوند رویه دستش کرده و میگفت هرگاه به کمونیستها رای بدهی بدبخت میکنیم. خلاصه یک جو غیر دموکراتیک بر علیه نیروهای انقلابی و مرفقی بوجود آورده بودند. کسانیکه آتای ساری خانی برایشان شام و نهار داده بود ناشیانه بهم میگفتند اگر ساری خانی پیروز نشود پول شما هدر میرود.

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال

حوزه ۱۲۹ مسجد شهیدی علی

همه اهل محل کارتویا نوشته‌ای که اسامی ۶ نفر کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی را بر روی آن نوشته بودند همراه داشتند و وقتی از آنها پرسیدم اسامی کاندیداهائی را که آورده ای چیست؟ گفتند نمی دانیم.

یک دختر که گویا دختر ریش سفید محل بود ساعت هشت وارد مسجد شد و گفت من هم نماینده هستم وقتی از او کارت خواستم یک کاغذ پلای کپی فاقد اعتبار بدستم داد. من اعتراض کردم ولی چون او دختر بود و ریش سفیدهای محل او او حمایت میکردند نتوانستم از مسجد بیرونش کنم. ولی در حین رای گیری بارها مجبوراً گرفتم و تقلیبش را کردم. او بجای کاندیداهائی که مردم میگفتند اسامی موسوی و ساریخانی را مینوشت ساعت هشت شب رای گیری تمامند. نماینده فرماندار و سایر اعضا گفتند که من نباید آنجا باشم. من اعتراض کردم ولی آنها گفتند که استاندار دستور داده شما نهایشید. من قبول نکرده و گفتم حتی اگر استاندار خودش اینجا آمده و مانع شود من نخواهم رفت. من از طرف سازمان آمده‌ام و تا آخر بایسد همین جا باشم. خلاصه آنها کوتاه آمدند و یکی شان گفت ماکه نمی خواهم تقلب کنیم پس از چه می ترسیم این آقا هم باشد. بالاخره شمارش آرا شروع شد. قرار شد چهار نفر مقابل آرا خوانده شده علامت بگذارند و یک نفر رایها را از صندوق در آورده بخواند. من نیز ماهر کنترل شدم. موقع نشستن آنها هر کدام در گوشه‌ای نشستند که من مخالفت کرده و گفتم برای آنکه بتوانم کنترل کنم باید همگی در یکجا بنشینند، وقتی اسامی سازمان ما و دیگر گروههای مرفقی خوانده میشد علامت نمی گذاشتند که من بلافاصله تذکره داده و گفتم آقا چرا علامت نمی زنی و او با دست یا چکی گفت معذرت میخواهم فکرم جای دیگری بود. چون امکان کنترل دقیق هر چهار نفر نبود خیلی از اسامی ها یا عوضی خوانده میشد و بعضی علامتی جلوی اسامی ها و نیرزه‌های مرفقی دیگر نمی گذاشتند. جلوی اسامی موسوی و ساریخانی خیلی بیشتر علامت میزدند.



حوزه ۹۲ گوی مجاهدین پشت کارخانه توکلی

راهروی مسجد مزین به آمیزش تبلیغاتی شش کاندیدای حزب جمهوری اسلامی بود. با اعتراض من پوسته را از دیوار برداشتند. در محل رای گیری ۵ نفر از معتمدین محل بود. یک نفر نماینده استاندار بود و نفر یاسدار و یک پاسبان از شهر یانی نیز جزو هیئت نظارت بودند. پاسبان فوق جز مامورین گارد سابق دانشگاه بود اوبی گفت شما از طرف فرمانداری به ما معرفی نشده اید و حق ندارید اینجا باصید و کارت شما اعتبار ندارد. بالاخره بعد از مدت‌سی از من اصرار و از ایشان انکار، به او گفتم به فرمانداری تلفن کن و بپرس. بعد از تلفن ماجرا پایان یافت.

اکثر مراجعه کنندگان بیسواد بودند و اکثرآ اسامی کاندید هارانی دانستند. آنها از شخصی بنام حاج عباس که جز معتمدین محل بود راهنمائی میخواستند. حاج عباس نیز رفته معروف شش نفر را در آورده و به آنها میداد و میگفته اینها رای بدهید. به اینکار

گزارشات و مدارک ارسالی بقیه از صفحه ۱۱
حوزه مراجعه کردند. این ۵ نفر را نیز بعد از بازجویی بدنی بازداشت کردیم. نیم ساعت بعد ماهر ویژه دادگاه انقلاب بیسوا حکم ماهریتوسیده و آنها را آزاد کرد.
ساعت در حدود ۱۲ ظهر بود. خانم بیسواد با چادر مشکی وارد حوزه شده مستقیماً سر صندوق رفته و شناسنامه و کاغذی را که نام کاندیداهار او ریش نوشته بود به صندوق داد. اهل محلی او را میشناختند ولی به بهانه اینکه شناسنامه او کس ندارد از او رای نگرفتند. آنها ادعا میکردند که این زن رانی - شناسند وزن مزبور با عصبانیت بیرون رفت و بعد از مدتی با بیسوار جوانش برگشت، معلوم شد که زن مزبور هوادار مجاهدین است و اهالی کاملاً او را می شناسند ولی ماهران حوزه صراحتاً به دلیل هوادار بودن او به مجاهدین مانع انداختن رای او به صندوق شده و اسامی کاندیداهای او را پاره کرده بودند. این عمل شایسته مورد اعتراض من قرار گرفت و شخصی را که مانع انداختن رای این زن شده بود از حوزه بیرون انداختیم.

ساعت حدود ۱/۵ بود که عده ای زن و مرد روستائی، از روستای بخسایس وارد حوزه شده و همه جا به ارباب روستا (بخسایس) رای دادند. آنها بیسواد بودند و از ما خواستند تا بقیه ۵ نفر را نیز ما بپر کنیم. گفتیم اینکار را نمی کنیم. در این حین از گفتن صحت سروصدا بلند شد. معلوم شد شخصی را که قبلاً از مسجد بیرون کرده بودیم (اکبر حاجی فرجی)

برگهای تعرفه روستائیان را گرفته و اسامی ۶ کاندیدای جمهوری اسلامی را برایشان پر کرده است. این عمل مورد اعتراض جوانان محل قرار گرفته بود. در حین که ما مشغول بررسی قضیه بودیم دو یازده سروصدا بلند برگشته و دیدیم پاسبانی بنام (علی نژاد - صوفیان) همان پسری را که صبح همراه مادرش به حوزه مراجعه کرده و بمباره کردن لیست دادند مادرش اعتراض کرد بیوزر مشت و لگد گرفته و ریش اسلحه کشیده است. عده ای از اهالی پشت در ایستاده و به ایره‌هل پاسبان با صدای بلند اعتراض میکردند. ولی ماهر کمیته با ۳ مانع از ورود مردم به مسجد و نجات بیسوار جوان از دست پاسبان بود. بعد از آرام شدن او ضاع در داخل مسجد شورائی تشکیل دادیم و این عمل را محکوم کردیم. مردم شدیدا به عمل پاسبان مزبور معترض بودند. نزدیکهای عصر استاندار برای سرکشی به حوزه آمد. پاسبان فریاد جلو داده و با چاپلوسی شروع به داستانسرائی برای غرور کرد. حرفهای پاسبان مورد تأیید همه بهعیراز من قرار گرفت. حتی پاسدارها یکسری حواشی تعدیل کننده طرف پاسبان را گرفتند (در حالیکه صبح به عمل پاسبان اعتراض کرده بود). من رویه جمعیت کرده و تمام دروغگوئی و چاپلوسی اعضای هیئت را افشا کردم. مردم بشدت تحت تاثیر قرار گرفته بودند. آنها حقیقتگوئی بلکه نویسندگانی را با دروغگوئی و چاپلوسی مسلمانان مذکور مقایسه میکردند. حتی پاسدار و ماهر کمیته نیز احساس شرم میکردند. استاندار که از این وضعیت بشدت عصبانی شده بود شروع به بازجویی از من کرده و بار در قتل و مواس زیاد کارت ماهر بازرسی کرد...



گزارشات و مدارک ارسالی ۰۰۰۰ بقیه از صفحه ۱۲

میانزه

رفیق گزارشگر ما مینویسد: مردم میان بدلیل محدود ساختن نیروهای انقلابی و مترقی در تبلیغات کاندیداهای انقلابی را خوب نمی شناختند و افراد شناخته شده (کاندیداهای حاکمیت) مورد قبولشان نبود بهمین جهت وقتی از آنان می پرسیدیم: " به چه کسی رای میدهی ؟ " می گفت: " هیچکدام همه شان مثل هم اند مگر سلیمانی (از نمایندگان سابق) و دیگران چه کردند که میر سجاده ها (کاندید حزب جمهوری اسلامی) چه کنند ؟ وی مینویسد: بیشتر مردم در انتخابات شرکت کردند. ولی در مورد افرادی که شرکت کردند میتوان گفت عده ای که بیسواد و در سطح پایین آگاهی بودند بنا به شرایط حاکم و تبلیغات سوسیالیستی که از طرفی حاج میر سجاده سی ها میشد از قبیل تبلیغ علیه کونیست بودن قاسملو (کاندید معرفی شده از طرف سازمان ما) و بی معرفتی کردن وی بدروغ بعنوان عضو حزب مکررا بدلیل جو حاکم بر صندوق های رای گیری به کاندید های حزب جمهوری اسلامی رای دادند در مقابل افراد آگاه همه آرای خود را به نفع قاسملو به صندوقها ریختند.

رفیقی از میان مینویسد: در حوزه انتخاباتی مسجد جامع در هر گوشه ۳-۴ نفر جمع شده بودند و برای افراد بی سواد رای می نوشتند در یک مورد بیسواد که شکار یکی از گروهها شده بود خود که هیچکدام از کاندیدها را نمی شناخت با چند دقیقه سکوت بالاخره اسم کاندیدی را از زبان محاصر کنندگان بیرون نام میر سجاده را بر زبان آورد و طرفداران وی با خوشحالی اسم این کاندید را روی برگ رای نوشتند و در این میان یکی از طرفداران اشراقی که در آنجا بود از فرصت استفاده کرده با شیادی گفت " توحق داری دوتا کاندید انتخاب کنی و در نانی روحانیو ^{نشان} نفوذ دیگر مثل اشراقی زیاد داریم! برای دهنده بالا راده گفت پس نام اشراقی را هم بنویس.

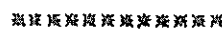
در حوزه انتخاباتی مسجد چراغ نماینده سازمان ما و جنبش ملی مجاهدین برای نظارت بر رای گیری را از حوزه اخراج کردند. در حیاط مسجد یک حاجی نشسته بود و از هر کسی که برگ رای را بدستش میداد ابتدا می پرسید به کی می خواهی رای بدی؟ می گفت که اکثرا میگفتند: هر کس را تویی خواهی و یا می پرسید مرا و کیستل می کنی؟ و بدین ترتیب با استفاده از بی سواد و لغتفاد غیر آگاهانه مردم آرا آنان را به نفع میر سجاده به صندوق میریخت.

در یکی از دهات نزدیک میانه بنام اولیق که رای گیری صورت می گرفت به صحبت های دو نفر دهاتی گوش داده شد که یکی از دیگری پرسید به چه کسی رای بدیم دیگری جواب داد: " چشمه ایست رابیند و دستت ز روی لیست کاندیدها بگذار دستت روی هر کدام افتاد به او رای بده که این نمونه بارزی از نا آگاهی مردم میباشد که بدفعات مردم سو استفاده حکومت های استثمارگر قرار گرفته و خواهد گرفت.

از یک کارمند اداره فرهنگ سوان شد به چه کسی رای خواهی داد؟ وی در جواب گفت (" به ... و قاسملو) بعلمت اینکه چندین هزار

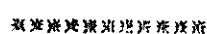
با استفاده از ... عده شناسنامه بدین عکس رای به صندوقها ریخته شد. وقتی من اعتراض کردم معتمدین محل گفتند ما آنها را میشناسیم و شناسنامه مال خودشان است. بیس از ۱۵ مورد افراد علاوه بر رای خود به شناسنامه هائی که همراه آورده بودند می گفتند شناسنامه زن، پدر و یا مادرشان است رای انداختند من برای اینکه ثابت کنم شناسنامه مال فامیلیهایشان نیست ^{ورای} افشای معتمدین محل، از یک نفر که به اعای خودش شناسنامه زن را همراه داشته شناسنامه را گرفته و در محلی که نام زن و فرزندانش را نوشته بودند نگاه کردم و از او پرسیدم اسم زنت چیست؟ در جواب اسم را عوضی گفت. اسم فرزندانش را پرسیدم (در شناسنامه اسم فرزند ثبت شده بود) اسم ۳ نفر را گفت که دوتای آنها با اسمی نوشته شده در شناسنامه وفق نمی داد. رویه معتمدین محل کرده و گفتیم شما این طوری معتمد محل هستید ؟ شخص دیگری شناسنامه ای همراه آورده و ادعا میکرد مال دخترش (نوکرش) است. میخواست بجای او رای بدهد. من مخالفت کرده و اجازه رای دادن به او ندادم. او در جواب گفت در انتخابات قبلی در فرماندوم، مجلس خبرگان، قانون اساسی من بجای دخترم رای داده ام و جای مهرهای قبلی را نشان داد. شناسنامه را از دستش گرفتم و دیدم دخترش از سن ۱۶ سال چند ماه نیز کمتر دارد. در زمان انتخابات قبلی نیز که از حدود یکسال قبل شروع شد. سنش از این نیز کمتر بوده است ولی تمام مهرهای روی شناسنامه گواهی است که او بدون سن قانونی برای انتخابات در همه آنها شرکت کرده است.

در تمام مدت رای گیری جوانهای محل مرا به یکدیگر نشان داده و می گفتند او نماینده فدائیان است. در ساعاتی آخر روز با همه صمیمی شده بودم یک نفر جلو آمده و اسم را پرسید. اسم را گفته و از او پرسیدم برای چه میخواهی گفت میخواهم به نورای بدهم. گفتم من کاندید نیستم. گفت پس اسمی کاندید ایتان را بگو. گفتم چمن من جز هیئت نظارت هستم نمی توانم اینکار را بکنم از دیگران سوال کن و بنویس که اینکار را کرد.



یکی از رفقای دانش آموز می نویسد:

روز انتخابات سه نفر که ظاهرا کاغذ هائی را که مینی بر کنار رفتن کاندیداهای سازمان ما بود، پخش میکردند و هیچکس مانع کار آنان نبود. من آنها را در حوالی شعب مسجد، می پیکر، مسجد غریبان و مسجدی که روبروی میدان قطب بود، دیدم.



شبهت

علیرغم اینکه از روز پنجشنبه تبلیغات انتخاباتی ممنوع اعلام شده بود شب قبل از رای گیری عکسهای مجتهد شیبستری و طبیبی در مقابل حوزه و مسیرهای حوزه و روستا ها چسبانده شد .
 بگزارش یکی از هواداران در یکی از حوزه ها هررانی که به اسم رفیق علی رستمزاده از صندوق بیرون می آمد بلافاصله پاره میشد .
 طبق شمارش دقیق آرا علی رستمزاده (کاندید سازمان) از ۱۲۰ رای بیابا بود ولی از صندوق فقط ۲۰ رای بیرون آمد .
 با وجود تبلیغات و اعمال نفوذ ها و تبلیغات افراوان در این رای گیری نیز استقبال مردم کاهش یافت ارقام زیر بخشی سیر نزولی استقبال مردم شبستر را از انتخابات نشان میدهد .

در انتخابات جمعبوری اصلاحی
 تعداد شرکت کننده ۵۹۰۰۰ نفر
 قانون اساسی ۳۷۲۵۵ نفر
 مجلس شورای ملی ۲۷۲۵۶ نفر
 * * * * *

جشنه کتان شبستر : مسئولین بعثت کثرت تقلب مجبور به ابطال صندوق رای گیری شدند .

دیزج (شبستر) : در این حوزه هیات نظار خود مشغول نوشتن آرای مردم بودند و حتی یکتکه مامور زن بتوصیه هیات نظار اصرار داشت آرای زنان با سواد را هم بنویسد . زمانیکه من می یکسی از اعضای هیات نظار را گرفتم شروع به داد و بیداد کرد که من نمی خواستم بتوصیه بلکه این شخص به من مراجعه کرد و خواست رای او را بنویسم و من قبول نکردم . پاسدار و سایر اعضای هیات نظار که بروشنی شاهچراغیان بودند حاضر نشدند موضوع را صورتجلسه کنیم و معلوم شد کاملاً با هم دست به یکس کرده اند !

زینب احمد بیور ۱۳ ساله براحق رای خود را به صندوق ریختو در مقابل اعتراض من آنان شروع به تهمت زدن کردند که من میخواهم صندوق را آتش بزنم و
 در یک مورد یک پیرمرد با چهار شناسنامه رای انداخته بود . وقتی به هیات نظار اعتراض کردم این بار بطرف من ملاحظه ور شدند و شروع به فحاشی و تهمت زدن نمودند ، احمد پور مامور بخشداری میگفت مردم ما احق هستند که اجازه میدهند شماها اینجا پیدا ایتان بشود و من میگفتم : مردم ما احق نیستند کسانی احقند که از رای این مردم زحمتکش و صادق و بی سواد سوءاستفاده می کنند . مردم گفته مرا تأیید کردند .

* * * * *

روستای ناوارلی (نوالو) : در این روستا نماینده سازمان ما برای نظارت بر انتخابات اخراج شد و یا مداران علناً با ایجاد رعب و وحشت زحمتکش را از رای دادن به کاندید سازمان سر حذر میداشتند . از رای دادن حدود ۴ نفر (تا آنجا که طرفداران ما توانستند برآورد کنند) نه میخواستند به نفع —————
 بقیه در صفحه ۱۵

نفردهائی کاغذ آنان را که تابع خلخال بودند با زحمتهای زیاد تابع میانه کرده و به آنها خدمات زیادی کرده است .
 از یکله اش آموزش سوان شد چرا به فاسلمو که دارای برنامه ها و سوابق خوبی است رای نداده است ؟ جواب داد من برنامه های فاسلمو را مطالعه کردم و در آن برنامه تمام درد های ما نوشته شده ولی چون فاسلمو دارای عقاید کمونیستی است به او رای ندادم . این امر خوبی نشان میدهد که چگونه سرمایه داران با تبلیغات سوء و غیر واقعی بر علیه کمونیستها زحمتکش را از طرفداران واقعی خود (کمونیستها) جدا کرده اند . در حالیکه فقط برنامه های کمونیستها بدرستی بیانگر خواستهای زحمتکش است .
 از یک نفر بیسواد پرسیدم : به چه کسی رای داده است ؟
 وی جواب داد : در موقع نماز جماعت از شیخ هادی نمایندنده شریعتمداری پرسیدم که به چه کسی رای بدیم ؟ گفت به جوانمردی وحید رجیم که آدم های خوبی هستند ؛ رای بدید . ولی من به آنها رای ندادم (البته هر دو نفر مزبور ساواکی هستند و آخوند جوانمردی عضو حزب خلق مسلمان نیز می باشد . وحید رجیم ارتشچی بود و در سرکوب دانشجویان مبارز دانشگاه تهران نقش موثری داشته است . در حالیکه نمایندگا واقعی زحمتکش و طرفداران منافع کارگران و دهقانان بجرم ما رنمیست بودن از کاندیدا تهری حذف میشوند و ابستگان رژیم سابق و عمال امپریالیسم —————
 آزاد به تبلیغ مشغولند) .

در حوزه مسجد علمیه : یک پیرزن برک رای رابه یکی از منشی ها داده بود تا نام حسین نژاد و فاسلمو را بنویسد و منشی نام اشراقی را نوشته بود پیرزن از کسی که کنار ایستاده بود می پرسد در برگه رای من نام چه کسی را نوشته اید . وی می گوید : اشراقی پیرزن معترضانه می گوید من نام فاسلمو و حسین نژاد را گفتم و در حوزه وضع متشنجی بوجود می آید .

* * * * *

زنجان

نتایج آرا بدست آمده نشان میدهد که ۳۰ درصد از کسانسی که حق رای داشتند در انتخابات شرکت نمودند . و شرکت کنندگان نیز تحت تاثیر گردانندگان حوزه ها و اعمال نفوذ از طرف حزب جمعبور اسلامی و روحانیو قرار گرفته و از روی ناآگاهی آرای خود را به نفع آنها به صندوقها ریختند . در روز انتخابات حوزه های رای گیری —————
 اکثر خلوت بود بر بعضی صعبای طولی که در مقابل فروشگاههای جهاد سازندگی که برای دریافت خواربار و تخم مرغ وسیگار منتظر بودند بیشتر چشم میخورد .

در روستای سیاه رود از توابع زنجان ناآگاهی و بیسوادی توده های زحمتکش بصورت درد آور و فاجعه آمیزی نمود داشت در این روستا اسامی کاندیداها را بر روی تخته سیاه نوشته شده بود یاسداران از افراد بیسواد میخواستند که یکی از اسامی را با انگشتنظان بدهند و آنها انگشتشان را به روی یکی از اسامی می گذاشتند و زمانیکه می خواستند اثر انگشت خود را روی ورقه رای بزنند انگشت خود را به استامپ زده و برای بار دوم به تخته سیاه فشار میدادند .

گزارشات و مدارک ارسالی از شهرستانها ۰۰۰ بقیه از ص ۱۴
کاندید سازمان رای بدهند جلوهگیری بعد آمد ، حتی آنها را —
تهدید به دستگیری و جلب به پاسگاه میکردند و می گفتند " ما
شما را به پاسگاه جلب می کنیم کسانی که پشتیبان شما هستند —
بیایند شما را آزاد کنند " . حتی بعضی از آرای طرفداران —
سازمان را باطل کردند .

از آنجا که بیشتر جوانان زحمتکش در این روستا طرفدار سازمان
هستند و بعد از اتمام نارشان (از ۵ بعد از ظهر) میخواستند
رای بدهند و مسئولین به این امر آگاه بودند سعی داشتند بهر
نحوی شده رای گیری را سریعاً خاتمه بدهند و بالاخره ۳۵ —
دقیقه مانده به موعد مقرر رای گیری را تعطیل اعلام کردند و عند وقتها
را بستند . این کار خشم جوانان را برانگیخت . آنان با لگد به
دری کوبیدند و میگفتند " باز کنید ما رای خواهیم داد " .

افراد حزب جمهوری اسلامی ابتدا صندوق را به بهانه ابطال
۱ پد و ن نظارت هیات مسئول برای شعارش به شیبتر میبرد و بعداً
که مطمئن میشوند آرای خودشان بیشتر است مسئولین را برای —
نظارت فرا میخوانند . یاد آور میشویم طبق شعارش رفقای ما آرای
ریخته شده بنفع ما ۷۵ عدد بود که ۶۶ عدد اعدام میشود .
در حوزه های رای گیری دریان ، نوزه کتان ، شندآباد ، مراد آباد ،
کافی الملک ، تغلب همچون حوزه های دیگر به چشم میخورد و
موارد زیادی مشاهده گردید که افراد بد و ن توجه به نظر رای —
دهنده اسم معتهد شیبتری را میباشند و یا یک نفر با چند
شناسنامه رای میداد .

در قریه یوسف آباد از ۲۰۰ نفر حائزین شرایط برای رای دادن —
فقط ۵۰ نفر رای خود را به صندوقها ریختند . صندوق شماره ۵۴
دریج خلیل (سیار) . یک نفر در اطراف صندوق تبلیغ میکرد :
اگر برای رای دادن نیایند برنج و روغن نخواهیم داد . " ! در روستای
بافی الملک اشخاصی چون خلیل پرزگری و میر کریم موسوی و ... در
مقابل اعتراض طرفداران ما قصد کتک زدن آنها را داشتند و حتی
عده ای بیل بدست را آماده کرده بودند .

خلیج خال :

تعداد شرکت کنندگان در انتخابات مجلس شورایی نسبت به
انتخابات قبلی سیر نزولی را نشان میدهد و در انتخابات این —
شهر نیز تقاضای سواستفاده از ناآگاهی توده ها و اعمال نفوذ نظر —
فراوان به چشم میخورد . آرای دو نفر کاندیدائی که به مرحله
دوم راه یافتند ، بیشتر از این راه بدست آمده است . حاجی
غفور برادر شیخ صادق خلخالی طرفداران خود را بر سر —
صندوقها گذاشته بود که بزور از مردم رای می گرفتند در هر
روستا نه به او رای نمی دادند صدوق راجع کرده و مانع رای
دادن اهالی میشد ، حتی روز انتخابات سعیا تبلیغ میکرد که چه
شما بمن رای بدهید چه ندهید من انتخاب شده ام ، و یا بدروغ
میگفت : سایر کاندیداها به نفع من کنار کشیده اند . "

میر مجیدی ، کاندید دیگری که بگادوم راه یافته است نیز تمام
بخش زادگاه خود را در اختیار داشت و روز پنجشنبه (یک روز
قبل از روز رای گیری) شروع به اخذ رای کرده بود . او نماینده
فرمانداری را برای نظارت بر صندوقها راه نداد و با تعداد
زیادی شناسنامه متعلق به افراد مرده رای گیری کرد . حتی دانش
آموزان مدرسه راهنمایی که سنشان به حد لازم (۱۶ سال)
نرسیده به نفع وی رای دادند .

میاندوب

رئیس

در میاندوب : بیشتر ناظرین ما را برای نظارت قبول نکردند و حتی
کمیته به هیات نظارت یک حوزه گفته بود : از دست کمونیستها به —
جان آمده ام و جای دیگر گفته بود : اگر پیدایشان شود فوراً —
دستگیرشان کنید .

سواً استفاده از ناآگاهی و بیسوادی مردم همچون دیگر حوزهها —
وجود داشت ، شناسنامه نسائی را که حدس میزدند به کاندید
سازمان ما رای بدهند بدقت بازرسی گرفتند ! ولی در مورد بقیه —
بهیچوجه کفتری نبود .

بقیه در صفحه ۱۷

اعتراض کارگران به اخراج خود از شرکت سیوند بقیه از صفحه ۷

۵۸/۱۱/۲۱ همه تعالی

مقام معظم ریاست محترم

اداره وزارت کار پارس آباد همان احتراماً معروض میدارم اینجانب
کارکنان شرکت سیوند که از تاریخ ۵۸/۹/۱۵ بهیکار
هستیم از اداره محترم و مسئولین کار تقاضا میشود به شکایت
کارگران مستضعف رسیدگی کنید و تکلیف ما را روشن کنید ، ما قادر
نیستیم چرخ زندگی را به چرخانیم ، امضا کنندگان زیر کارگران بهیکار
شرکت سیوند هستند .

- | | |
|-------------------|--------------------|
| ۱- امید علی محمدی | ۱۰- اسماعیل ندرتی |
| ۲- رحمان جعفری | ۱۱- علی عباسی |
| ۳- مکاتیل معری | ۱۲- شهباز شهبازیان |
| ۴- نلیمان نادری | ۱۳- عزت معزلی |
| ۵- اسماعیل معمری | ۱۴- حاج محمد رحیمی |
| ۶- ایمن احمدی | ۱۵- اهان کرامتی |
| ۷- مسگر احمدی | ۱۶- سخاوت کریمی |
| ۸- مرادلان طالبی | ۱۷- اله وردی |
| ۹- علیتر مرجو | ۱۸- شیرانی |

در اهتزاز باد پرچم خونین رزم کارگران و زحمتکشان

اهل

کاندیدای مورد حمایت سازمانها در اهر بجرم مارکسیست بودن حذف شد. این عمل حاکیست بار دیگر ماهیت آن را برای توده ها روشن تر ساخت. گزارش های رسیده از اهر بیانگر اینست که کسانی که در یافته اند مدافعین واقعی زحمتکشان چهره و هائی هستند از حذف نام کاندیدای مادر اهر ناراضی و ناراحت بودند در قهوه خانه های اطراف زحمتکشان در این مورد گفته اند که علی نوری هنگامیکه در زندان شاه بود کسانی چون فرماندار و دیگر بقره رسیدن های امروزی در عین و نوش بودند. یا کارگری گفته. علت حذف علی نوری طرفداری وی از زحمتکشان بوده است نه بهانه هائی که آنان عنوان کرده اند. چند روستائی که رفقای ما با آنها صحبت کرده اند. این کاندید فدائی که می گویند از همان فدائی هاست که عاشیق حسن می خواند؟ رفقا جواب میدهند بلی، روستائیان گفته اند: "تعجب ندارد که کاندید فدائیان را حذف کنند آنها طرفدار زحمتکشان هستند و دولت نمی گذارد آنها فعالیت کنند."

عجیب شایع

استقبال مردم از انتخابات در عجبشیر نیز نسبت به رای گیریهای سابق کاهش چشمگیری داشته است. در فرمانروم جمهوری اسلامی همین از ۲۴ هزار نفر شرکت داشتند در حالیکه این بار فقط حدود ۶ هزار نفر شرکت کردند.

دور روستای شیشوان

از توابع عجبشیر

تعداد آرای فرمانروم جمهوری اسلامی ۲۱۰۰ رای، مجلس خبرگان ۱۳۰ رای، و آرا ریخته شده به صندوقها در انتخابات مجلس شورای ملی ۸۲۶ عدد میباشند.

متن اعتراض کاندیداهای

شاخه آذربایجان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به نحوه برگزاری انتخابات مجلس شورایی

مقام فرمانداری تبریز

با توجه به اعدال نفوذ و تقلبات نامحدودی که در جریان انتخابات انجام گرفته است ما کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، وارم زیر را بعنوان نقض آشکار حقوق دموکراتیک مردم تلقی کرده و بدینوسیله اعتراض خویش را در رابطه با موارد متعدد تقلب و اعمال نفوذ در انتخابات اعلام میداریم.

۱- نقض کامل اصول دموکراتیک از طرف ۶ نفر کاندید حزب جمهوری اسلامی و دولتیستین. و بدلیل اینکه اکثر این افراد در رأس ارگانهای مانند دادگاه انقلاب اسلامی - معاون سیاسی استانداری - فرماندار قبل از انتخابات - مدیر کل بهداری و... بوده و با استفاده از این امکانات در معدی که هر گوناگون تبلیغ ممنوع اعلام شده بود اقدام به تبلیغ

کرده و با اعمال خود تا آخرین فرصت رای گیری ابراهیم داده اند و با هیچگونه عکس العملی از طرف مسئولین روبرو نشده اند.

۲- حمله هدایت شده و حساب شده در دو دسته اوایل مزدور و سرقت کارتهای ناظرین انتخاباتی به جهت بهم ریختن امور نظارت بطوریکه بعضی از کاندیدها چند ساعت بعد از ورود مقرر سر صندوقها حاضر شده اند و بعضی از صندوقها تا ظهر بازرس نداشته اند.

۳- وجود دخالت، توصیه، اعمال فشار، تهدید از طرف عناصر و گروههای مسئول و غیر مسئول و ممانعت از کار ناظرین این سازمانهای انقلابی و فترقی و ایراد توهین و فحاشی و تهدید با اسلحه. به عنوان نمونه در حوزه ۲۹۱ شاه آهک سفلی (۲- مأمور مسلح) با تهدید اسلحه رفیق ناظر ما را از اطراف صندوق دور نموده و در آخر وقت موقع شمارش آرا نیز در حضور افراد فراوان و غیر مسئول شروع به شمارش آرا نموده اند و آرای سازمان ما را پاره کرده و از بین برده اند به عنوان مثال حتی یک رای هم به اسم کاندیداهای سازمان ما خوانده نشده در صورتی که حد اکثر خود رفیق ناظر ما رای به کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مجاهدین خلق ایران داده بود.

۴- وجود پوسترواسامی ۶ نفر کاندیدای حزب جمهوری اسلامی و دولتیستین در اکثر حوزه ها، رای گیری در برقه هائی که از طرف عوامل این ۶ نفر بدست اکثر رای دهندگان دادند و مسئولین حوزه ها هیچگونه ممانعتی به عمل نمی آورند. این اعمال به شدیدترین وجهی در روستاها و حومه تبریز نیز وجود داشته است.

۵- قرارداد ان رادیو و تلویزیون از ۴۸ ساعت مانده به انتخابات تا آخرین لحظه خاتمه رای گیری در اختیار تبلیغ خط فکری مشخص و دادن سمت فکری مشخصه مردم و پخش صحابه ها و گزارشات دست چین و سانسور شده بزرگ پخش سایر نکته نظرانی که مطرح میشده است.

با توجه آشکار بودن موارد تقلب اعلام میداریم که از نظر ما نتیجه رای گیری هرکینیتی داشته باشد باطل بوده و ما ضمن ابراز اعتراض شدید خویش جمع بندی این اعمال و نقض حقوقی اساسی مردم را با تمام شواهد و مدارک موجود به پیشگاه خلق تبریز خواهیم داشت.

جمعی - حمید بیگی

ابوالفضل محقق

نعمت الله محمدی گلشن

کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -

شاخه آذربایجان

گزارشات و مدارک ارسالی از باند آب... بقیه از صفحه ۱۵

در حوزه مسجد صاحب الزما - رفیق ما در مقابل اعتراض به تقلب، زیر ضربات کتک و قنداق تفنگ دو نفر از مأمورین تبعیته قرار میگیرند. در حوزه مدرسه راهنمایی عاصم، یکی از افراد وابسته به... یاسداران میخواهد از هواداران سازمان که به کاندید ما رای میدادند عکس میگیرد که مورد اعتراض شدید قرار میگیرد. مردم بر آشفته و میخواستند روی را کتک بزنند با همشمار هواداران ما از درگیری جلوگیری ^{میشود} "ینی از رفقا امتناع می کنند و می گویند" مردم قضاوت کنید این است ماهیت اصلی این افراد. اینها میخواهند فرزندان راستین خلق را شناسائی کنند."

مشکین شهر:

در حوزه رای گیری یکی از روستاها - بر روی تخته سیاه نوشته شده بود آیت اله همتی نایب امام است باید به همتی رای بدید، یک مرد روستائی اعتراض می کند و می گوید "اگر انتخابات آزاد است من همه کاندیداها را روی تخته سیاه بنویسید که مردم بدانند به چه کسی رای میدهند. در این روستا ۲۰ الی ۲۵ نفر رای دادند."

در مشکین شهر یک روز قبل از رای گیری صد و پنجاه رای را به روستا - های اطراف برده و شب همان روز رایها را به نفع همتی در صندوق رای ریختند. در روستای بریخان مشخص معلوم الحال بنام محمدی سعی در... سو استفاده از اساسات مذ همتی مردم نموده و قرآن را روی دست گرفته به اهالی گفته است "ای اهالی شماها را به این قرآن قسم میدهم که به همتی رای بدید"

اردبیل:

در انتخابات این شهر نیز همچو نام از ناظرین ما بر صند و قبا نظارت نداشتند، تقلبات و سو استفاده ها در تمام... ها به چشم میخورد. در این شهر نیز مسئله رای دادن برای تعدادی زیادی از مردم بعنوان غریبه دینی مطرح شده - بود تا یک امر اجتماعی، و معتدترین با نفوذ محل در حوزهها - آرا مردم را به نفع کاندیداها میورد نظر خود مینویسند.

تکثیرانه یاز

پیش بسوی تدارک هرچه باشکوهتر جشن اول ماه مه روز جهانی کارگران
به منظور برگزاری هرچه پر شکوهتر جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر از تمامی رفقای هوادار مخصوصا کارگران، میخواهیم شعر، مقاله، عکس، سرود و پیشنهادات خود را در رابطه با این روز تاریخی در اختیار شاخه آذربایجان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار دهند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر